

مرحوم آية...

حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (ره)

فضیلت انتظار

فوائد دعا برای امام زمان (عج)



نور الابصار

فی فضیلة الانتظار

مرحوم آية الله حاج ميرزا محمد تقى موسى اصفهانى

* نورالآبصار في فضيلة الانتظار
به ضميمه *

* كنز الغنائم

* مرحوم آيت الله حاج ميرزا محمد تقى موسى اصفهاني

* چاپ سوم - ۳۰۰۰۰۰ جلد

* اردیبهشت ماه ۱۳۶۱

* حروفچینی و تنظیم صفحات ۷۱ تیر

* انتشارات موعسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکدر یزد

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّلام على المهدي (ع)

کتاب حاضر که شامل دو رساله بنامهای نور الابصار فی فضیلة الانتظار و دیگری کنز الغنائم فی فوائد الدعا للقائم است ، نخست در هفتاد سال قبل در زمان حیات مؤلف (ره) بخط مؤلف چاپ شده است .

چاپ دوم آن از روی نسخه خطی سابق در سال گذشته توسط حسینیه عمادزاده اصفهان و کتابخانه چهلستون مسجد جامع تهران چاپ شد و اینک با کیفیتی بهتر در آستانه نیمه شعبان به منتظرین ظهور حضرت ولی عصر (عج) تقدیم می گردید .

برای آشنائی خوانندگان و ادای حق مؤلف ، شرح حال مؤلف مرحوم (رحمه الله) از چاپ دوم در اینجا آورده می شود .
امید است که این خدمت کوچک مقبول درگاه وجود شریف حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد و پاداش آنرا ظهور و فرج حضرتش قرار دهد .

« اللهم أرنا الطَّلعة الرَّشيدةَ وَالغُرَّةَ الْحَميدةَ »

رجب المرجب ۱۴۰۲

م . ص . ح

اردیبهشت ماه ۱۳۶۱

حوزه علمیه قم

مؤلف کتاب نورالابصار ستاره^۶ درخشنده در آسمان علم و از مفاخر زمان خویش بود.

در ترجمه وی در کتب تراجم و اعلام و فهرست اسما^۷ مؤلفین از علماء عامه و خاصه مختصراً^۸ مذکور است.

از آجمه علامه بررگوار عصر حاضر و شیخ مشایخ آیت الله حاج آقا بررک سهراسی ره در کتاب نفعیاء بشر ص ۲۵۸ و نیز در کتاب نفیس خویش الدرر یعد الی صافیف الشیعه جلد ۲۲ ص ۱۸۲، ص ۹۱ - ۶۵.

و برر در کتب از علماء عامه در کتاب خود «الاعلام» ج ۶ ص ۲۸۹ و برر کحاله در کتاب خود معجم المؤلفین ج ۹ ص ۱۳۲ و نیز در کتاب خود معجم المؤلفین ج ۹ ص ۱۳۲ و نیز در کتاب «مؤلفی الکتب المطبوعه» ج ۲ ص ۲۸۲ و شیخ حابری انصاری در کتاب خود تاریخ اصفهان ج ۳ ص ۵۳ و معلم حبیب آبادی در کتاب مکارم الآثار ذیل وقایع سال ۱۳۵۱ و نیز کتابهای دیگری از نویسندگان معاصر و اخیراً^۹ در مقدمه طبع دوم کتاب نفیس مؤلف «مکیال المکارم» مختصری از ترجمه مؤلف ذکر شده.

مؤلف عالم عامل و زاهد کامل نابغه دوران و فرید زمان التقی المنفی الحاج میرزا محمد تقی الموسوی فقیه احمدآبادی ابن آیت الله العظمی مولانا میرزا عبدالرراق بن عبدالجواد بن السید مهدی بن میر قاضی بن السید محمد نائب الصدر ابن میر محمد تقی الوزير السلطان صفی الدین الذی کان معه سفره الی حراسان در حمادی الاولی ۱۳۵۱ در شهر اصفهان متولد گردید و در سن بررک علم و نفوی و فصیلت و عرت و مجد تربیت یافت.

او ساره بود در خشنده که دیر طلوع نمود و رود غروب کرد و در او جمع گردیده بود دکاء وجودت فهم و نیکوئی نفس و صباحت و ملاحظت منظر و فصاحت و ریاضی حظ جدیت و کوشش و نهذب از ردائل و تأدب بمحاسن اخلاق و بعد و السرام بواجبات و آداب و سنن اسلام و سرشار از عشق و ولایت و محبت و تمسک باهل بیت عصمت و طهارت و دوری از هوای نفس و توجه بر ناست و حقوق فوق بر اقران، او مطهر عطف و مهر و دلجوئی از ضعفاء

و بینوایان بود .

می توان نوشت طبق آثار خویش عمری کوتاه نمود با مؤنه کم و قناعت و عفت فراوان و سرشار از عمل و تعبد و خضوع بحق و عطف و احسان فراوان به خلق .

و چنانچه استاد بزرگوارش مرحوم آیت الله دهکردی در باره او نوشت صاحب ذهن و قناد و فهم نقاد وجودت قریحه و سلیقه مستقیم و بیرون از خواری تبعیت و نائل به عزت استقلال و رسیده بمرتبه اجتهاد استنباط فروع از اصول و مروج دین و ناشر احکام و افتخار سادات و علویین و شیعه امامیه رضوان الله علیهم .

ولی با زندگی پر غم و اندوه و پریشانی خارجی و داخلی پس از تشریف بزیارت اعتبار مقدسه ائمه طاهرین در عراق و بازگشت بوطن و محل تربیت و وطنیت خویش اصفهان در بیست و پنجم ماه صیام سال یکهزار و سیصد و چهل و هشت دعوت حق را لبیک گفت .

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي .

و در مقبره اختصاصی در تخت فولاد جنب پدر بزرگوارش مدفون گشت .

مؤلف از بسیاری از اساتید بزرگ و دانشمندان عالی مقام و آیات عظام حوزه علمیه اصفهان بهره مند و استفاده نمود از آن جمله :

۱- پدر بزرگوارش آیت الله سید عبدالرزاق الموسوی (ره)

۲- پسر عمه خویش علامه آقا سید اسدالله .

۳- علامه و محقق و فیلسوف عصر خود آقا سید محمود گلشادی

اصفهانی .

۴- فقیه الفلاسفه و فیلسوف الفقها . مولی آخوند ملا محمد

کاشانی (ره)

۵- آیت الله سید ابوالقاسم دهکردی مرجع تقلید وقت .

- ٦- آیت الله حاج شیخ عبدالکریم جزمی .
 ٧- آیت الله حاج آقا منیرالدین بروجردی اصفهانی (ره)
 ٨- آیت الله حاج میرزا بدیع درب امامی (ره)
 ٩- آیت الله محقق بزرگوار آقا حاج میرمحمد صادق خواتون ابادی
 (ره) خالوی معظم مؤلف (ره)

اشتغال و جدیت مؤلف

اگرچه مؤلفاتی از وی موجود است که تاریخ شروع و ختم آن ذکر شده ولی نوشتن دروس و استنساخ کتب عزیز الوجود و تألیف عده از کتب خویش با ذکر تاریخ دلالت بر کوشش و جدیت وی می نماید .
 در خاتمه شرح کتاب صاب الصبیان ذکر نموده در روز چهارشنبه شانزدهم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و ده هجری علی هاجرها سلام الله الباری اللهم اغفر لنا ولوالدینا ولوالدیدی ولمن وجب حقه علينا بمحمد و آله ده سال از عمر من غیر از چهار ماه گذشته بود اینرا نوشتم .
 و در دیباچه کتاب ایضاح الشبهات چنین آمده تصنیف نمودم در عنقوان جوانی با تفرق حواس و کمی وسیله وقتی که از عمرم پانزده سال گذشته بود و در خاتمه همان کتاب آمده تمام گردیده بدست مؤلفش محمد تقی موسوی اصفهانی در سوم ماه رجب یکهزار و سیصد و شانزده .
 و از سال هزار و سیصد و هفده به استنساخ پاره از کتب عزیز الوجود پرداخت چنانچه در شب ٢٢ رجب یکهزار و سیصد و هفده از استنساخ بعضی از کتب نحویه فارغ و روز یکشنبه شانزدهم ذی القعدة همان سال از استنساخ توضیح الالغار فارغ گردید و روز پنجشنبه سوم جمادی الاولی ١٣١٨ بتألیف کتاب ایس التفردین پرداخت و از استنساخ کتاب مفصل زمخشری در سال ١٣١٩ فارغ در روز جمعه ٢٨ محرم اینسال و مصادف با وفات مرحوم پدر بزرگوارش و در ماه صفر همین سال از تألیف کتاب یسائین الجنان فارغ گردید چنانچه در همین سال نیز از تألیف تذکرة الطالبین شرح آداب المتعلمین

و نظم آن بفارسی فارغ گردید و اشعار آن بر اسلوب مثنوی در متجاوز از دو بیست بیت بدرخواست ادیب جواهری بروجردی بنظم آورده اول آن .
همدان یزدان پاکی را سزا است

که بدست قدرتش ارض و سماست

و در آخر آن آمده:

ختم شد سال هزار و سیصد این (۱۳۱۹)

بعد نه بعد از ده این نظم میهن

و در چهارم ماه جمادی الاخره همین سال از تألیف کتاب محاسن الادیب فارغ گردید و در بسیاری از مواضع کتب خویش این سال را زمان تراکم اسباب محنت و تلاطم امواج فتنه خوانده است .

و روز چهارشنبه ۲۶ شعبان یک هزار و سیصد و بیست و شش از تألیف کتاب ابواب الجباب فی آداب الجمعات فارغ گردید و در خاتمه چنین ذکر نموده در حین ختم این کتاب بیست و پنج سال و سه ماه و بیست و شش روز از عمر این عاصی گذشته بود .

و پس از فراغ آن در فکر بود کتابی تألیف نماید و فوائد دعا، در فرج حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه را در آن جمع نماید .

در سال یک هزار و سیصد و سی مشرف بحج گردید و از جهت شیوع وباء شدید در مکه مکرم و ابتلاء و موت بسیاری از زائرین و حجاج با خداوند خویش عهد نمود اگر خدا او را نجات دهد و سلامت بوطن باز گردد آن کتاب را شروع نماید چون بوطن سلامت بازگشت در عالم رؤیا بزیارت آن حضرت نائل آمد و آنحضرت باو فرمود .

آن کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را بگذار مکیال المکارم فی فوائد الدعاء، للقاءم و بتألیف آن شروع نمود .

و از تألیف و طبع جزء اول کتاب وظیفه الأنام در ماه ذی العقده سال ۱۳۳۱ و در جمادی الاخره سال ۱۳۳۲ از جزء دوم آن فارغ گردید و در ماه جمادی الثانیه یک هزار و سیصد و چهل و هشت عازم سفر عراق شد و با

اعلام عصر - رحف و کربلا و کاظمین و در سامراء با علامه عصر آیت الله حاج شیخ آقا برگ ره صاحب «الدریعه» ملاقات و دیدار نمود و صاحب الذریعه مکرر او را یاد می فرمود جزاهما الله عَنَّا وَعَنِ الْإِسْلَامِ أَحْسَنَ الْجَزَاءِ

ادب و شعر مؤلف

مؤلف (ره) مردی بود ادیب و شاعر اشعار ملیحی عربی و فارسی مخصوصاً در ولای اهل بیت و بالاحص حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء سروده از آحملمه .

بنفسی من من هجره انا ضائل
بنفسی اما ما قائما غاب شخصه
بنفسی من یحیی شریعه جده
ویجتت اصل الظالمین وفرعهم
فیارب عجل فی ظهور امامنا
ومن للواء الفتح والنصر حامل
ولیس له فی العالمین مماثل
ویقضى بحکم لم یرمه الا وائل
و یحیی به رسم العلی والفضائل
و هذا دعاء للبریه شامل

و در طی تالیفات او اشعار عربی و فارسی او زیاد دیده می شود .

مؤلف در زمان و شرائط خارجی و داخلی پر محنتی ایام خویش را با قناعت و ماعت و سرشار از شوق و عشق و محبت پر کرد از عبادت و علم و کتابت و نظر و تألیف و احیاء علم و سنت و انشاد شعر در مدح اهل بیت طهارت و مخصوصاً حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفده با جائیکه بسیاری ارکنب فقیهه که نایاب و یا عزیز الوجود بود با خط خویش اسنساخ و با مرگ خویش عمل خویش را منقطع نساخت و با آثار خویش طومار عمل را باز گذاشت فرزندانى پسر که از آنان است سیدالعلماء الاعلام و ملاد الخواص والعوام حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی که دارای تألیفات عالیه و ملکات فاضله و ادیب و شاعر و حجة الاسلام والمسلمین آقا حاج سید عباس که با رشاد و هدایت مردم اشتغال دارند و دخترهای فاضله صالحه و صهری ماسد استاد جامع عالم عامل حجة الاسلام والمسلمین آقا حاج سید مرتضی موحد ابطحی دام ظلّه، و رحمت حق را بخود پیوند داد

با صدقه جاریه و وقف نمودن کتابهای خویش که تولیتش را در حیوة خویش
با خود و پس از مرگ با فرزند اعلم وارشد قرار داد چنانچه خویش را ابدی
و خالد نگاه داشت با آثار قلمی و تالیفات ارزنده

- ۱- تفسیر قرآن مجید تحقیقی و عربی .
- ۲- رساله در تعادل و تراجیح در اصول فقه دلالت دارد بر اطلاعات
و ذوق مؤلف در علم اصول .
- ۳- ابواب الجنات فی آداب الجُمعات مفصل .
- ۴- کتابی است در نماز شب بفارسی .
- ۵- بساتین الجنان فی علمی المعانی و البیان .
- ۶- محاسن الادیب کتاب بسیار ارزنده با تحقیقات عمیقی در علم نحو .
- ۷- توضیح الشواهد .
- ۸- تذکره الطالبین شرح کتاب آداب المتعلمین تألیف فیلسوف
خواجه نصیرالدین طوسی (ره)
- ۹- انیس المتفردین و صاحب المتجردین .
- ۱۰- تحفة المتأدبین علمی و تحقیقی در نحو .
- ۱۱- ضیاء النیر کتابیست در صرف .
- ۱۲- حواشی بر شرح الخبیص .
- ۱۳- شرح مختصر کتاب التصریف .
- ۱۴- ایضاح الشبهات فی الفروق بین المشتبهات .
- ۱۵- مکیال المکارم در دو مجلد و دو مرتبه بطبع رسیده .
- ۱۶- ترغیب الطلاب نحو .
- ۱۷- سراج القبور .
- ۱۸- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقاءم .
- ۱۹- وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام .
- ۲۰- نور الابصار فی فضیلة الانتظار که اکنون تجدید طبع می شود .

نور الابصار

فی فضيلة الانتظار

مُرحوم آية الله حاج ميرزا محمد تقى موسى اصفهانى

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَهُوَ حَسْبِی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الَّذِیْ جَعَلَ اِنْتِظَارَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ
اَفْضَلَ عِبَادَاتِ اَهْلِ الْاِیْمَانِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰی نَبِیْهِ وَصَفِیْهِ مُحَمَّدٍ الَّذِیْ نَزَّلَ
عَلَيْهِ الْقُرْآنَ وَعَلٰی الْاِهْلِ الْمَعْصُومِیْنَ اٰمَنَاءُ الرَّحْمٰنِ وَحُجَجِ اللّٰهِ عَلٰی الْاِنْسِ
وَالْجَانِّ وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَهْلَ الْكُفْرِ وَالطُّغْيَانِ .

اما بعد بنده^۶ شرمنده جانی محمد تقی ابن عبدالرزاق الموسوی
الاصفهانى عفى الله عنهما بعرض برادران ایمانی می رساند که چون
از افضل عبادات در این اعصار انتظار فرج و ظهور خاتم ائمه اطهار
المدخیر لآخذ الثار والانتقام من الأشرار والکفار أعنی الامام الغائب
عن الأبصار القائم المنتظر المهدي الحجة بن الحسن العسکری علیهما
السلام است لهذا محض خدمت به آن بزرگوار و بجهة دلالت بسوی
این امر جلیل جمع نمودم در این مختصر بعضی از آنچه وارد شده
است در اخبار مرویه از ائمه اطهار در فضیلت این انتظار امید آنکه
در روز شمار در زمره انصار آن امام ابرار بشمار آیم و نامیدم آن را
بکتاب نور الابصار فی فضیلة الانتظار و مشتمل نمودم آنرا بر یک
مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه .

مقدمه

اما مقدمه بدانکه مؤمن باید قصدش در انتظار فرمان برداری خداوند عالمیان و محبت برسول او و ائمه اطهار علیهم السلام باشد تا بثوابهای کامله انتظار فائز و رستگار گردد انشاءالله تعالی .

مقصد اول

در بیان جمله‌ای از اخبار وارده در ثواب و فضیلت انتظار بنحو اختصار .

در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند هرکس از شماها بمیرد با ایمان درحالتیکه منتظر باشد مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام در خدمت آنجناب باشد .

و در حدیث دیگر از پدران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرموده که فرمودند هر کس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند کسی است که در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد .

و در حدیث دیگر فرمود (یعنی حضرت صادق علیه السلام فرمود) خوشا بحال شیعیان قائم ما که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان غائب بودن او و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او ایشانند اولیاء خدا که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء

و از حضرت رسول صلی الله علیه واله مرویست که افضل عبادتها انتظار فرج داشتن است .

و در بحار از عبدالحمید واسطی منقول است که گفت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام گفتم که ما دست از بازارها و کسبهای

خود برداشته‌ایم بجهت انتظار این امر بنحویکه بعضی از ما نزدیک است سائل بکف شود فرمود ای عبدالحمید آیا گمان می‌کنی کسی که در راه خدا چنین کند خداوند فرج و گشایش باو ندهد بلی وَاللَّهِ گشایش باومی دهد خدا رحمت کند بنده‌ای را که خودش را برای یاری ما نگاه می‌دارد خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیاء می‌کند گفتم اگر بحال انتظار بمیرم پیش از ظهور قائم شما چه ثواب دارم فرمود هر کس از شماها که در حال انتظار حضرت قائم از دنیا برود و عزم یاری کردن او را داشته باشد در زمان ظهورش مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده باشد و شهید شده باشد .

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که فرمودند
انتظار فرج داشتن از افضل اعمال است .

و در احتجاج از آنحضرت روایت است که ابی خالد کابلی فرمودند که طولانی می‌شود زمان غائب بودن ولی خدا که دوازدهمی از او صیاء حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم و ائمه بعد از آن جناب است ای ابا خالد بدرستی که آن موءمنانی که در زمان غائب بودن او می‌باشند و اعتقاد و یقین بامامت او دارند و انتظار زمان ظهور او را می‌کشند بهتراند از اهل هر زمانی زیرا که خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و هوشی بآنها عطاء فرموده که غائب بودن امامشان با حضور او نزد آنها یکسان است و قرار داده آنها را در آن زمان بمنزله کسانی که جهاد نمودند در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم با کفار بشمیر ایشانند موءمنین خالص و شیعیان ما بحقیقت و راستی و دعوت‌کننده‌گان بسوی دین خدای عزوجل به آشکار و نهانی .

و در خبر دیگر است که فرمود هر مؤمنی که ثابت بماند بر ولایت ما در زمان غائب بودن قائم ماعطا می فرماید حق تعالی باو ثواب هزار شهید را که مثل شهدای بدر و احد باشند .

مؤلف گوید که چون باقی بودن بر حال انتظار لازمه نبوت ولایت و علامت آن است می توان این ثواب را برای آن اثبات نمود . و در کمال الدین از صقر بن ابی دلف روایت است که گفت شنیدم از حضرت امام محمد تقی علیه السلام که فرمود امام بعد از من پسر من علی است امر او امر من است و گفتار او گفتار من است و اطاعت او اطاعت من و امام بعد از او پسر او حسن است امر او امر پدرش علی است و قول او قول پدر اوست و طاعت او طاعت پدر او آنگاه ساکت شدند گفتم یا بن رسول الله پس کیست امام بعد از امام حسن عسکری حضرت گریه شدیدی نمودند آنگاه فرمودند بدرستی که امام بعد از امام حسن عسکری پسر اوست که قائم بحق و منتظر است .

گفتم یا ابن رسول الله چرا او را قائم می نامند فرمودند برای آنکه قیام می فرماید بعد از اینکه نام او از میان رفته باشد و بیشتر قائلین بامامت او از دین برگردند یعنی بجهت طول غیبت او گفتم چرا او را منتظر نامند فرمود بجهت آنکه از برای او غائب شدنی اتفاق می افتد که بسیار می شود روزگاران و طول می کشد زمان آن پس مؤمنین خالص بانتظار او باقی می مانند و شک کننده گان او را انکار می کنند و انکار کننده گان بذکر او استهزاء می نمایند و کسانی که وقت برای ظهورش معین می کنند دروغ گو می باشند و کسانی که عجله می کنند هلاک می شوند یعنی از دین بر می گردند و کسانی که فرمان بردار ائمه خود هستند یعنی چون و چرا نمی کنند و بدستور العمل امامان دین رفتار

می‌کنند نجات می‌یابند .

موء لف گوید که مراد از عجله‌ای را که باعث هلاکت می‌شود در مقدمه کتاب کنزالغنائم بیان نموده‌ام .

و از حضرت امیر علیه السلام مروی است که فرمودند منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید بد رستیکه پسندیده‌ترین اعمال بسوی حقتعالی انتظار فرج است .

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار ظهور امام زمان را داشته باشد مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه آنحضرت باشد آنگاه اندکی ساکت شد بعد فرمود بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند بعد فرمود نه وَاللَّهِ بَلْکَ مَانَعِدْکَ سِیَ اسْتِ که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه واله شهید شده باشد .

حقیر گوید در این حدیث سه درجه از ثواب را تدریجا ذکر فرموده‌اند که از برای منتظرین ظهور حضرت قائم هست .

و در بحار از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حدیثی روایت شده که خلاصه‌اش اینست که حقتعالی بکسانیکه در زمان غائب بودن امام انتظار ظهور او را دارند و دین خود را محکم نگاه می‌دارند عطاء می‌فرماید آن ثوابهای واقعی کامل را که بازای عمل نمودن بر طبق احکام واقعی و عبادات صحیحه قرار داده اگر چه آنها بسبب غائب بودن آنحضرت دسترسی بفهمیدن حکمهای واقعی و عبادات حقیقی نداشته باشند یعنی بازای اعمال و عبادات ظاهریه که مطابق تکلیف فعلی خود بجا می‌آورند اجر و ثواب اعمال و عبادات کامله حقیقیه را مرحمت می‌فرماید بواسطه فضیلت انتظار داشتن از برای ظهور امام

عليه السلام وأخذ واقعات احكام .

و درنجم ثاقب از غیبت شیخ طوسی ره از مفضل روایت است که گفت ذکر نمودیم قائم علیه السلام را و کسی که مرد از اصحاب ما که انتظار او را می کشید پس حضرت صادق علیه السلام فرمود بما که چون حضرت قائم علیه السلام خروج کند کسی بر سر قبر مؤمن می آید پس به او می گوید که ای فلان بدرستی که ظاهر شد صاحب تو پس اگر خواهی که ملحق شوی با او پس ملحق شو و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود پس اقامت داشته باش .

مؤلف گوید از این حدیث ظاهر می شود که این مطلب که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار باشد یکی از جمله فوائد انتظار است چنانچه این فاعده در دعای برای آنحضرت نیز وارد شده .

و از ابی حمزه روایت است که گفت بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم پیرو بی قوه شده ام و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم فرمودند ای ابا حمزه هر کسی که ایمان بیاورد بما و تصدیق کند حدیث ما را و منتظر زمان فرج ما باشد مثل کسی می ماند که در زیر علم حضرت قائم علیه السلام شهید شده باشد .

بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول صلی الله علیه و اله شهید شده باشد .

و در حدیث دیگر از آن حضرت مروی است که فرمود هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار فرج را داشته باشد افضل است نزد حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر واحد .

و دربرهان از مسعدة روایت شده که گفت در محضر مبارک حضرت

صادق علیه السلام بودم که پیرمرد منحنی وارد شد درحالتیکه بعضای خود تکیه نموده بود پس سلام کرد و حضرت جواب سلامتش را دادند آنگاه عرض کرد یا ابن رسول الله (ص) دست خود را بدهید من ببوسم حضرت دست خود را دادند او بوسید آنگاه شروع کرد بگریه کردن حضرت فرمودند ای شیخ چرا گریه می کنی عرض کرد فدایت شوم بقدر صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته هر ماهی نومی شود می گویم در این ماه ظاهر می شود و هر سالی تازه می شود می گویم در این سال واقع می شود اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده و هنوز بمراد دل خود نرسیده ام و ظهور فرج شما را ندیده ام .

لمؤلفه

گذشت عمر من اندر فراق یار دریغ
 ز هجر غرقه خون شد دل فگار دریغ
 شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار
 گذشت عمر و بمردم در انتظار دریغ
 پس چرا گریه نکنم و حال آنکه بعض شما را پراکنده در اطراف
 زمین و بعضی را کشته بظلم اعدای دین می بینم
 پس حضرت صادق علیه السلام گریان شدند و فرمودند که ای
 شیخ اگر زنده ماندی تا زمانی که به بینی قائم ما را می باشی در مقام
 رفیع بسیار عالی و اگر پیش از ظهور حضرت او در انتظارش مردی پس
 در روز قیامت در زمره ال محمد صلوات الله علیهم محشور خواهی
 شد و آنها مائیم که امر بتمسک بما نموده در آنجا که فرمود .

إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الْثِقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي
 أَهْلَ بَيْتِي .

یعنی بدرستی که من دو چیز بزرگ عالی مقام در میان شما می گذارم
 پس متوسل بآنها بشوید تا هیچ وقت گمراه نگردید یکی کتاب خدا
 قرآن و دیگری عترت من که اهل بیت منند .

آن پیر مرد چون این بشارت عظمی را شنید جزع و گریه اش
 ساکن کردید و گفت مرا با وجود این بشارت پاکی از مرگ نیست آنگاه
 حضرت صادق علیه السلام فرمودند ای شیخ بدان که قائم ما بیرون
 می آید از صلب حضرت امام حسن عسگری و امام حسن عسگری بیرون
 می آید از صلب امام علی النقی و علی بیرون می آید از صلب امام
 محمد تقی و محمد بیرون می آید از صلب حضرت علی بن موسی و علی
 بیرون می آید از صلب حضرت موسی که پسر من است و او از صلب من
 خارج گردیده ماها دوازده نفریم که تمام ما معصوم و پاکیزه از هر گناه
 و کثافتی می باشیم .

تنبیه: اختلافی که در ثواب انتظار در بعض اخبار مشاهده می شود
 باعتبار اختلاف منتظرین است در درجات معرفت و تقوی و انتظار
 البته هر کس اکمل است ثوابش هم اکمل است .

واجب بودن انتظار

مقصد دوم در بیان واجب بودن انتظار ظهور حضرت قائم عجل
 الله تعالی فرجه و شرط بودن او در قبول اعمال
 در اصول کافی از اسمعیل جعفی روایت است که گفت شخصی

وارد شد بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و با او صحیفه‌ای بود حضرت باو فرمودند این صحیفه مُخاصم است که سؤال نمود از آن دینی که بواسطه آن اعمال انسان بدرجه قبول می‌رسد عرض کرد بلی خدا شما را رحمت کند مراد من همین است حضرت فرمود آن دینی که بسبب آن اعمال قبول می‌شود این است.

شرط قبول اعمال

شهادت بیگانگی خدا و اینکه شریک ندارد و شهادت برسالت خاتم انبیاء محمد صلی الله علیه واله و اقرار بحقیقت تمام آنچه خبر داده از جانب حضرت حق تعالی و دوستی با ما اهل بیت .
و بیزاری از دشمنان ما و فرمان بردار بودن از برای امر ما و پرهیزگاری از گناهان و تواضع و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما بدرستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آنرا ظاهر می‌گرداند .

و در غیبت شیخ نعمانی از ابی بصیر روایت است که روزی حضرت صادق علیه السلام فرمودند می‌خواهید شماها را خبر بدهم بآن چیزیکه حق تعالی با نبودن آن هیچ عملی را از بندگان قبول نمی‌فرماید گفتم بلی فرمود آن شهادت بیگانگی خدا است و آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده او و پیغمبر اوست و اقرار بآنچه خدا امر فرموده بآن و دوستی از برای ما و بیزاری از دشمنان ما یعنی دشمنان ائمه و فرمان بردار بودن از برای ائمه اطهار علیهم السلام و پرهیزکاری از گناهان و کوشش نمودن در اطاعت خدا یعنی در ادای واجبات شرعیه و یقین داشتن یعنی در امر اصول دین و حقیقت امر ائمه طاهرین و انتظار

داشتن از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام آنگاه فرمودند که از برای ما دولتی هست که ظاهر می‌گرداند آنرا حق تعالی هر وقت که بخواهد.

و در کمال الدین از حضرت عبدالعظیم روایت است که فرمود وارد شدم بمحضر سید خود حضرت امام محمد تقی علیه السلام و قصد داشتم که سؤال نمایم از آنجناب از قائم که همان است مهدی یا غیر اوست پس حضرت پیش از سؤال کردن من باعجاز فرمودند ای ابوالقاسم بدرستی که قائم از ما همان مهدی است که واجب است انتظار او را داشتن در زمان غائب بودن او و واجب است اطاعت و پیروی او در زمان ظهور او و سومی از اولاد من است.

و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت فرموده (شیخ صدوق در کمال الدین) که فرمود نزدیکترین حالات بنندگان خدا بخدا که در آنحال از آنها خوشنودتر از هر زمانی است آن وقتی است که امام آنها غائب و از نظر آنها پنهان می‌باشد و مکان او را نمی‌دانند و با وجود این یقین دارند که حجت الهیه موجود است پس در آنزمان باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند.

مؤلف گوید هر صبح و شام کنایه است از استمرار و دوام یعنی در هیچ حالی و در هیچ وقتی و در هیچ ماه و سالی نباید مأیوس از ظهور امام علیه السلام باشند بلکه هر چه غیبت آنحضرت طولانی‌تر می‌شود باید امیدشان بنزدیکی زمان ظهور او بیشتر گردد و یقین ایشان بوجود مبارک او محکم‌تر و ثابت‌تر بشود.

زیرا که خود این طول غیبت از امور غیبیه است که ائمه ما علیهم السلام پیش از وقوع آن خبر داده‌اند.

لمؤلفه

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند
 آن دگر امید مرا بیشتر کند
 نوعی اثر نموده به قلبم جدائیت
 گاندر رگی ضعیف اثر نیشتر کند

مقصد سوم در بیان معنی انتظار و مقدار واجب از آن بنحو
 اختصار بدانکه اصل انتظار امری است قلبی که ظاهر و منبعث می شود
 از آن امور بدنی بسیار که متفاوت است بحسب تفاوت درجات انتظار.

انتظار قلبی واجب

اما قدر واجب از انتظار قلبی از برای ظهور آن بزرگوار بر حسب
 آنچه ظاهر می شود از اخبار این است که مؤمن باید یقین داشته باشد
 اینکه حضرت قائم علیه السلام که امام دوازدهم است و فرزند صلبی
 بلاواسطه حضرت امام حسن عسکری است از روزیکه متولد شده تا کنون
 زنده است و بهمین بدن عنصری باقی است و در همین عالم است و
 نمرده است و نخواهد مرد تا اینکه ظاهر شود بهمین بدن و در همین
 عالم سلطنت کند و عالم را پر از عدل نماید و دین اسلام را در تمام
 عالم رواج دهد و ظهور او وقت معینی ندارد که خلائق بدانند بلکه
 احتمال دارد در همین سال واقع شود و احتمال دارد سالهای بسیار
 دیگر تأخیر بیفتد.

و باید مؤمن در هیچ حالی از حالها و هیچ سالی از سالها ناامید
 نباشد از وقوع ظهور آنجناب بلکه باید همیشه اوقات و تمامی سنوات

امیدوار بظهور موفور السرور آنبزرگوار باشد .
 پس اینکه بعضی از نادانها بحسب خیالات و حدسیات می گویند
 حالاها امام ظاهر نمی شود یا تا صد سال دیگر هم مثلاً "ظاهر نمی شود
 خطاء و اشتباه است و خلاف دستور العمل منقول از ائمه اطهار است
 بلکه در اخبار متعدده تصریح فرموده اند که ظهور آنحضرت بفته واقع
 می شود و علامات حتمیه ظهور مثل خروج سفیانی و صیحه آسمانی و
 قتل نفس زکیه همه در یکسال نزدیک بهم واقع می شود چنانچه مشروحا"
 در مکیال المکارم ذکر نموده ام با شواهد دیگر پس ممکن است که در
 همین سال ظهور واقع شود و ممکن است که سالهای بسیار دیگر هم تأخیر
 بیفتد و مؤمن نباید هیچ وقت نا امید باشد .

و همچنین جزم و حکم باین که تا فلان وقت یا فلان سال ظهور
 واقع می شود آنها هم خطاء و اشتباه است بلکه در روایات متعدده معتبره
 امر فرموده اند که هر کس تعیین وقت نماید از برای ظهور حضرت قائم
 علیه السلام او را تکذیب نمائید زیرا که علم بآن مخصوص بخداوند
 عالمیان جل شانہ است .

انتظار واجب بدنی

و اما قدر واجب از انتظار بدنی که منبعت از آن انتظار قلبی
 می شود این است که مؤمن از معاصی و گناهان اجتناب نماید و صفات
 بد را از خود دور نماید و خود را بصفات خوب متصف کند تا اینکه
 اگر در ک زمان ظهور آنحضرت را مورد مرحمت و احسان آنجناب
 باشد و آنحضرت از او خوشنود باشند نه دل آزروده چنانچه در روایت
 ابی بصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند هر کس دوست

می‌دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید انتظار ظهور آنحضرت را داشته باشد و عمل او بر طبق ورع و پرهیزکاری باشد و خود را بصفات خوب و اخلاق حمیده متصف نماید در حالتی که منتظر ظهور آنحضرت است پس چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام بعد از او واقع شود ثواب کسی را دارد که درک فیض حضور آنجناب را نموده باشد و از یاران و اصحاب او باشد پس سعی کنید در پرهیزگاری و طاعت و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید.

و در توقیع مروی از آنجناب در بحار و احتجاج می‌فرماید که باید هر یک از شماها کاری بکند و نوعی رفتار نماید که بمحبت ما نزدیک شود و احتراز کند و پرهیز نماید از عملی که او را بغضب ما نزدیک می‌کند الخ.

انتظار قلبی کامل

و اما انتظار قلبی کامل پس باین حاصل می‌شود که شخص مومنی در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکانها از یاد امامش و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می‌شود و با اهل عالم گفتگو می‌کند قلبش پیش امام علیه السلام باشد و بانتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد مثل شخصی که اولادش منحصر باشد بیک نفر و آن یک نفر هم بجمع کمالات آراسته باشد و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد و بسفیری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد تصور کن آیا یک ساعت از خیال او بیرون

می رود یا آنکه از جستجوی او تغافل می کند حاشا و کلا بلکه شب و روز بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکّات محبوب او پیش نظر او مُمَثَل است چنانچه شاعر گفته

ای غائب از دو دیده چنان در دل منی
گزلب گشودنت به من آواز می رسد

علامت کمال ایمان

و چون مؤمن محبتش با امام زمان باین درجه رسید ایمانش کامل می شود چنانچه در حدیث نبوی در دارالسلام و غیره مروی است که فرمودند مؤمن ایمانش کامل نمی شود مگر وقتی که من در نزد او از خودش عزیزتر باشم و اولاد من در نزد او از اولاد خودش عزیزتر باشد و اهل من نزد او عزیزتر از اهل خودش باشند و امور متعلقه بمن نزد او اهم از امور متعلقه بخود او باشد .
و همین که انتظار قلبی باین درجه از کمال رسید آثار ظاهریه او هم بدرجه کمال می رسد .

علامات و آثار درجه کامله انتظار

خاتمه: در بیان علامات و آثار درجه کامله انتظار بنحو اختصار و آن دوازده چیز است:

اول آنکه شخص منتظر دائما " محزون و غمگین است در زمان فراق محبوب خود چنانچه از حضرت رضا علیه السلام در وصف حال مؤمنین در زمان غایب بودن امام زمان روایت شده و علاوه بر این جهات دیگر هم از برای مغموم بودن مؤمن در زمان

غیبت موجود است مثل ضعف اهل اسلام و غلبه معاندین و مخفی بودن احکام واقعیه و خارج بودن سلطنت ظاهریه از دست امام زمان و غیر اینها که تمامش انشاء الله رفع می شود بظهور آنحضرت **عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ**.
دوم گریان بودن در انتظار آنحضرت چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده .

سوم همیشه بیاد آنحضرت بودن و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن .

چهارم از اهل دنیا کناره کردن و ترک معاشرت مگر بقدر حاجت و ضرورت .

پنجم در غالب اوقات و مَظان اجابت بآنجناب دعاء کردن و طلب فرج و ظهورش را از حق تعالی نمودن .

ششم موءمنین را ترغیب و تحریص نمودن باین دعا و التماس آنرا از ایشان نمودن بلکه شخص منتظر حقیقی بهر وسیله ای که احتمال بدهد نزدیک شدن وصال محبوب خود را البته در تحصیل آن سعی و اقدام می نماید .

هفتم آنکه هر چه غایب بودن او طولانی تر می شود شوق شخص منتظر شدیدتر و زیادتر می شود .

هشتم آنکه در انتظار محبوب خود صبر بر شدتها و سختیها نماید و آنها را در جنب این امر بزرگ سهل و سبک شمارد .

در خرایج از حضرت رسول صل الله علیه و آله روایت است که باصحاب خود فرمود می آیند گروهی بعد از شما که هر یک نفر از آنها ثوابش معادل ثواب پنجاه نفر از شماست گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما با شما بودیم در جنگ بدر و احد و قرآن در تعریف ما

نازل شد فرمودند که شما بمشقتها نیکه آنها مبتلا می شوند مبتلی نشدید و باندازه که آنها صبر می کنند صبر ننمودید .

مؤلف گوید که از برای مؤمن هیچ ابتلاء و شدتی عظیم تراز مفارقت و غایب بودن امام او نیست و از همین جهت است افضلیت مؤمنین این زمان از مؤمنین زمانهای قبل .

نهم آنکه همینکه شخص منتظر بحد کمال رسید شداعد و سختیهای که در انتظار بر او وارد می شود از آنها لذت می برد و بسبب آن شوقی که بلقائ محبوب دارد احساس بآن آلمها نمی کند .

لذت دیوانگی در سنگ طفلان خوردن است

حیف از آن اوقات مجنون را که در هامون گذشت

دهم آنکه چون انتظار و مقام محبت شدید شد خواب و خوراک شخص کم می شود بلکه کار بجائی می رسد که التفات هیچ چیز از امور راجعه بخود نمی کند و از خود بی خود می شود چنانچه این حال از برای ائمه ما علیهم السلام در حال نماز اتفاق می افتاد .

یازدهم آنکه چون انتظار کامل شد شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی برد بلکه لذت او منحصر است فقط در ذکر محبوب و معشوقی که دارد شیخ سعدی

گر مرا هیچ نباشد به دنیا نه به عقبی

چون تو دارم دگرم هیچ نیاید

و بسط کلام در هر یک از این مقامات منافی با اختصار است .
دوازدهم از علامات انتظار مهیا بودن از برای ورود محبوب

است .

ومهیا بودن از برای ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام

بچند چیز حاصل می شود .

اول عزم حقیقی بر یاری و متابعت آنجناب .

دوم اینکه شخص خود را بصفات نیکو متصف نماید و صفات ذمیه

که مبعوض اوست از خود دور نماید .

بیت

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

سوم مواظبت در طاعات و عبادات واجبه و مستحبه و ترک محرمات

و مکروهات شرعیه .

چهارم مهیا نمودن اسلحه .

پنجم مرابطه بنحودیکه در کتاب وظیفه الانام ذکر نموده ام .

ششم مواظبت در خواندن دعای عهد نامه کوچک و بزرگ که در

وظیفه الانام نقل نموده ام و در کتاب زاد المعاد هم مذکور است .

تمام شد کتاب نور الابصار فی فضیلة الانتظار

كنز الغنائم

فى فوائد الدعاء للقائم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ هُوَ حَسْبِی

الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی مُحَمَّدٌ وَاٰلَهُ سَادَاتِ
الْوَرٰی وَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اِلٰی یَوْمِ الْجَزَا .

اما بعد بنده شرمنده جانی محمد تقی ابن عبدالرزاق الموسوی
الاصفهانى عفى الله تعالى عنهما بعرض برادران ایمانی می‌رساند که
چون از جمله مهمات خاصه در این اوقات اهتمام نمودن در دعاگوئی
بوجود مبارک اعلی حضرت اشرف ارفع اّمجد اقدس خاتم الوصیین
و مجمع کمالات الاثمه الراشیدین مولانا حُجّة بن الحسن بن علی بن
محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن
علی بن ابی طالب علیهم الصلوٰه والسلام و مسئلت نمودن تعجیل
در فرج و ظهور آن جناب است از حضرت واجب الوجود جل شانه .
و این مطلبی است که ائمه اطهار علیهم السلام اهتمام تمام
در آن داشته‌اند و بسیاری از دعاهای آنها مشتمل است بر دعای بوجود
مبارک آنحضرت و طلب فرج آنجناب را از حقتعالی نمودن و بسیاری
از ادعیه آنها مخصوصاً " برای آنبزرگوار بوده و علمای امامیه (ره) در
کتب قدیمه و حدیثه خود روایت فرموده‌اند و حقیر بعض آنها را در

ابواب الجنات و مکیال المکارم روایت کرده‌ام .
 و از برای این امر فوائد و خواص کثیره دنیویه و اخرویه از آیات
 و روایات مستفاد می‌شود و آنچه این اقل عباد جمع نموده‌ام زیاده
 بر صد فائده است که کتاب مکیال المکارم را بجنه آن وضع و تالیف
 نموده‌ام و چون آن کتاب عربی است و عوام را از آن بهره نیست لهذا
 عازم شدم بر آنکه مختصراً "اکثران فوائد را بلغت فارسی جمع نمایم
 محض خدمت‌گذاری بآن بزرگوار و برادران ایمانی که از این فوائد
 محروم نمانند و نامیدم این مختصر را بکتاب کنز الغنم فی فوائد
 الدعاء للقاء و مشتمل است بر یک مقدمه و هشت مطلب و یک خاتمه .

اما مقدمه

در بیان امری چند که لازم است تنبیه بر آن
 مطلب اول در بیان اینکه افضل اعمال ادای حق مؤمن است
 و اشاره بآنکه حقوق آنجناب زیاده‌تر و عظیم‌تر است از حق هر مؤمنی
 بر ما .

مطلب دوم در اینکه یکی از اقسام ادای حق آنحضرت دعاء
 کردن بآنجناب و مسئلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آنحضرت از
 حقتعالی و دعای بآنجناب منافاتی ندارد بارتفاعشان آنجناب و احتیاج
 ما در اصلاح امور خود بآن بزرگوار .

مطلب سوم در بیان اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام در دعای
 در حق آنجناب و طلب کردن فرج و ظهور او را از حضرت رب الارباب .
 مطلب چهارم در بیان سرزیادتی اهتمام ایشان باین مطلب
 و آنکه هر قدر محبت شخص بآنجناب بیشتر است اهتمامش در دعای

بآنحضرت بیشتر است .

مطلب پنجم در بیان جمله‌ی از فواید و منافع دسیویه که حاصل می‌شود برای مؤمن ببرکت دعای بآحساب و طلب فرج و ظهور آن حضرت را از حق تعالی نمودن .

مطلب ششم در بیان جمله‌ای از فواید و منافع احرویه این عمل سریف .

مطلب هفتم در بیان اوفانیکه اهتمام باین امر بیش از وقت‌های دیگر است .

مطلب هشتم در نقل بعضی از دعاهای مرویه از ائمه معصومین علیهم السلام از برای حضرت صاحب الزمان روحی و ارواح العالمین فداه .

مقدمه

بدآن که در جمله‌ای از اخبار مرویه از ائمه اطهار منتهی شده است از تعجیل نمودن در امر ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام و فرموده‌اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاک شخص می‌شود . مراد از هلاک کفر و خروج از ایمان است که سبب هلاکت می‌شود و این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدده که امر فرموده‌اند بطلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان جل شانہ .

تعجیل مذموم در امر ظهور

و بیان مختصر نزدیک بفهم عوام در تحقیق این مقام این است که عجله‌ای که مذمت آن در اخبار وارد شده و موجب هلاک انسان

و ضرر و خسران او می شود در امر ظهور آنحضرت بر سه قسم است .
 اول عجله‌ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود
 یعنی بجسبت کم طاقتی و کم صبری تعجیل کند و بگوید اگر شدنی بود
 تا حال باید شده باشد و این حرف آخر کار نعوذ بالله راجع می شود
 بهانکار ظهور قائم منتظر علیه السلام .

دوم عجله‌ای که منافی با تسلیم و رضای بامر خداوند جل شانہ
 باشد که بگوید چرا ظاهر نمی شود و برای کی گذاشته و برگشت این
 باعتراض برخداوند عزوجل است و چنین کسی تابع شیطان است که
 ایراد بخدا گرفت بلکه باید شخص دعا بکند و اگر هم حق تعالی تأخیر
 در اجابت فرمود آنرا مطابق حکمت بداند .

سوم عجله کردن که سبب متابعت و پیروی نمودن مدعیان کذبہ
 و داعیان باطل شود چون تعجیل دارد و کم طاقت است پیش از ظاهر
 شدن علامت‌های حتمیه و آثار مرویه ازائمه عام بمدعیان باطل اعتماد
 می کند و بمحض خیال و شبهه و تأویل ارادت بشیطانهای بصورت انسان
 پیدامی کند بامید آنکه موعود منتظر باشد چنانچه بسیاری مردم باین
 سبب هلاک (یعنی از دین برگشتند) شدند باوجود آنکه از برای امام
 علیه السلام علامت‌های مخصوصه قطعیه هست مطابق عقل و نقل که
 تا آنها در او یافت نشود نباید اعتماد نمود .

بعض علامات امام علیه السلام

یکی آنکه باید هیچ وقت از او معصیتی صادر نشده باشد .
 دیگر آنکه بشخصه و نَسَبِه معروف باشد .

دیگر آنکه عالم بجمیع احکام الهیه و جمیع لغات باشد و در هیچ مسئله عاجز نشود و محتاج بپرسیدن از غیر و دیدن در کتاب نباشد .
 دیگر آنکه معجزه از او صادر شود یعنی کاری که از هیچکس مثل آن صادر نشود مثل تکلم کردن درختها و حیوانات با او زنده شدن مرده بدعای او و نسوزانیدن آتش بدن او را و امثال اینها که مکرر از ائمه اطهار صادر می شد و اگر چنین نباشد با دیگران فرقی ندارد و در غیبت نعمائی (نام مبارکش ابراهیم شاگرد شیخ کلینی ره بوده بسیار جلیل القدر و کتاب او در نهایت اعتبار است و این حدیث را کلینی در اصول کافی نیز باندک تفاوتی روایت فرموده) از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمودند هرگاه کسی ادعای قائم بودن کرد از او بطلبید امور عظیمه ای را که غیر امام کسی از عهد آنها بر نمی آید .
 و دیگر آنکه مبین احکام دین خاتم انبیاء صلی الله علیه و اله وسلم باشد نه آنکه چیزی از پیش خود جعل و اختراع نماید و غیر اینها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد .

و از برای وجود مبارک امام زمان ما عجل الله تعالی فرجه و ظهور او بخصوص علامتها و خصوصیتهای چندی تعیین شده که برای هیچ کس پنهان نماند و اسباب شبهه نشود و جمیع عالمیان با اختلاف زبانها بر آن مطلع شوند

و این عاصی بعضی از آنها را در کتاب وظیفۃ الانام ضبط نموده ام و علمای سابقین مانند شیخ نعمانی و صدوق و مجلسی و غیر اینها رَحِمَهُمُ اللهُ تعالی در کتابهای خود جمع فرموده اند .

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

آدای حق مؤء من افضل اعمال است

مطلب اول بدانکه در کتاب اصول کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند عبادت کرده نشده است خداوند عالم جل شانہ بچیزیکه افضل باشد از آداء نمودن حق مؤء من . و در احتجاج از حضرت امام حسن عسگری علیه السلام روایت شده که فرمود هر کس معرفتش بحقوق اخوان مؤء منین بیشتر است و آدای حقوق اینها را نیکوتر می کند شأن او نزد حق تعالی عظیم تر است چون داستی این مطلب را پس بدان که در جمیع اهل عالم هیچکس حقوقش بر تو بیشتر نیست از امام زمان تو علیه السلام که بمقتضای احادیث کثیره قطعیه هستی تو و بقای تو و سکون و آرام تو در این عالم و تمام نعمتهائیکه بتو می رسد و روزیکه می خوری و آبیکه می آشامی ببرکت وجود مبارک اوست و آنچه هست از منافع ذات مقدس اوست مانند آفتاب وقتیکه زیر ابر پنهان باشد هر چند دیده نمی شود لکن تمام عالم از نور او روشن است و فوائد او بهمه چیز می رسد

اگر نبود ز یمن وجود اقدس او

بپا نبود نه ارض و سما نه ماه و نه سال

*

هُوَ الْعَلَمُ الْهَادِي بِاشْرَاقِ نُورِهِ
وَإِنْ غَابَ عَنِ عَيْنِي لَمَّا تَكْهُورِهِ

*

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّمْسَ يَنْشُرُ ضَوْءَهَا
إِذَا هِيَ تَحْتَ الْقَزَعِ حِينَ عُبُورِهِ

و این عاصی جمله ای از حقوق آنجناب را با دلیل و برهان در

باب سوم مکیال المکارم ذکر نموده ام .
 واعظم تمام حقوق حق امام علیه السلام بر رعیت است چنانچه
 در روضه کافی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که فرمودند
 بزرگترین حقهائی که حق تعالی واجب فرموده است حق والی است یعنی
 امام بر رعیت و چون این مطلب واضح شد بدانکه ما هر قدر سعی کنیم
 نمی توانیم حق آنحضرت را چنانچه باید و شاید اداء کنیم پس باید
 از آنچه می توانیم کوتاهی ننمائیم زیرا که در روز قیامت بمقتضای آیات
 و روایات این مطلب از جمله اموری است که از هر کسی پرسش و مواخذه
 خواهد شد چنانچه در تفسیر آیه شریفه **ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ**
 و غیرها روایت شده .

طریق ادای حقوق امام زمان علیه السلام

و طریق اداء نمودن حق آنحضرت اهتمام در اطاعت و فرمان
 برداری اوست بعد از معرفت باو صلوات الله علیه زیرا که او صاحب
 امر است بر ما و حق تعالی فرموده **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ .**
 یعنی ای مومنها فرمان برداری نمائید خدا را و فرمان برداری
 نمائید پیغمبر او را و فرمان برداری نمائید صاحب آن امر از خود را که
 مقصود وجود مبارک امام زمان علیه السلام و یازده نفر آباء طاهریین
 اویند و از جمله فرمانهای مطاعه او که در توقیع شریف مروی در کمال
 الدین و احتجاج و بحار ذکر شده این است **وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ
 الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ** یعنی بسیار دعا کنید و از حق تعالی سؤال
 نمائید تعجیل در فرج مرا زیرا که این فرج و گشایش کار شماها است .

پس باید هر موءمنی کمال اهتمام در انجام این فرمایش مطاع داشته باشد خصوصا بملاحظه آنکه جمیع جهاتیکه مقتضی دعاء نمودن در حق کسی می شود در وجود اقدس آنحضرت جمع است چنانچه این احقر آنها را مفصلا "بترتیب حروف اب ت تا آخر در باب چهارم مکیال المکارم جمع نموده ام .

مطلب دوم چون دانستی که یکی از اقسام ادای حق آنجناب دعای بآنحضرت و سؤال نمودن تعجیل در فرج و ظهور اوست از حق تعالی شانه بدانکه منافاتی نیست در این مطلب با آنکه ماها در جمیع امور احتیاج بآنجناب داریم و آن بزرگوار واسطه در تمام فیوضاتست و بزرگتر شاهد بر این مدعی امر فرمودن خود آنحضرتست ما را باین دعاء یعنی منافات نبودن ما بین این دو مطلب و تقریر مطلب را بچند وجه می توان نمود .

اول آنکه با وجود آنکه حضرت ایشان کامل در تمام صفات و وسیله جمیع فیوضات هستند لکن بمقتضای بشریت بعض اموریکه لازمه بشریت است از قبیل هم و غم و محنت و الم و ابتلاء و مرض برایشان عارض می شود و حق تعالی برای دفع این امور اسبابی قرار داده که یکی از آنها دعاء است .

و لهذا خودشان دعاء می کردند بلکه دیگران را امر بدعای در حق ایشان می فرمودند پس ما هم بمقتضای محبت آنجناب باید دعای بآن وجود مبارک را از اهم امور لازمه خود قرار دهیم و این اصلا منافاتی با رفعت مقام آنها نداشته و ندارد .

دوم آنکه بمقتضای حدیث مروی در کتاب غیبت شیخ نعمانی ره از حضرت امیرالموءمنین علیه السلام و توقیع در احتجاج یک سبب

غایب شدن امام زمان ما علیه السلام کثرت معصیتهای ما است پس چون مانع ظهور آنجناب از جانب ماها است ماها باید اقدام در رفع مانع بکنیم بتوبه کردن و اهتمام در دعاء و طلب ظهور و فرج برای آنجناب نمودن .

سوم آنکه دعاء بمنزله هدیه است و هدیه بردن برای کسی دلیل حاجت آن شخص بزرگ نیست بلکه علامت احتیاج آن هدیه برنده و محبت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد .
و تفصیل این امور با بعض وجوه دیگر در باب پنجم مکیال المکارم ذکر نموده ام .

اهتمام ائمه (ع) در دعا به امام دوازدهم علیه السلام

مطلب سوم پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم السلام داشته باشد اینکه چه قدر اهتمام در امر دعاء نمودن بحضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آنجناب از خداوند عالمیان جل شانہ داشته و دارند .
و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در غیبت نعمانی .

و دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام را در روز عرفه در صحیفه و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در جمال الاسبوع .
و دعای حضرت صادق علیه السلام را با آنحضرت بعد از نماز ظهر مروی در فلاح السائل و بحار و دعای آنحضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در اقبال و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

را بعد از نماز عصر مروی در فلاح السائل و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در جمال الأسبوع و دعای امام محمدتقی علیه السلام را مروی در کافی و دعای امام حسن عسگری علیه السلام مروی در مهج الدعوات و دعای مروی از خود آنجناب مروی در کمال الدین و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در جمال الاسبوع و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب مروی در مصباح المتهجد و مفتاح الفلاح و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة و دعای صبحهای روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه و دعای وقت رفتن بمسجد در روز جمعه و دعای افتتاح و غیر اینها که ذکرش موجب طول است .

بلکه از عبارت دعای روز عرفه و روایت مرویه در جمال الاسبوع در باب قنوت روز جمعه و بعض ادله دیگر ظاهر می شود که مؤمن هر دعائیکه می نماید باید ابتداء کند بدعای از برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و ظهوره و چون در این رساله بنا بر اختصار است بهمین مقدار اقتصار می نمایم .

حدیث شریف

و شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی ره بسندش از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که در روزهای جمعه گذاشته می شود از برای حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلی الله علیهم اجمعین در نزد عرش حق تعالی منبرهایی از نور پس بر آن منبرها بالا می روند و جمع می شوند نزد آنها ملائکه و ارواح پیغمبران و مؤمنان و گشوده می شود درهای آسمان پس چون وقت ظهر جمعه می شود آن حضرت دعاء می کنند که خدایا نزدیک گردان

ان وعده‌ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده‌ای وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ تا آخر آیه یعنی وعده داده است خدای تعالی، بکسانی که ایمان آورده‌اند و عمل نیکو می‌کنند اینکه آنها را جانشینان نماید در زمین و این وعده ظهور و استیلای امام زمان علیه السلام و رجعت حقّه و دولت منتظره ائمه اطهار است در آخر الزمان پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعاء می‌کنند آنگاه حضرت رسول و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سجده می‌نمایند و می‌گویند خدایا غضب نسای بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند و بنده‌های پسندیده تو را کشتند و بنده‌گان نیکو کار تو را خوار کردند.

پس تقدیر می‌فرماید خدا آنچه را می‌خواهد و این در روزی است که معلوم است نزد خداوند جل شانه.

حقیر گوید مراد زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است چنانچه در روایات دیگر تصریح شده.

و اگر کسی توهم کند که البته دعا‌های آن بزرگواران مستجاب است پس چرا این قدر ظهور آنحاب عقب افتاده می‌گوئیم ماها آگاه نیستیم بوقت ظهور آن حضرت که چه زمان است پس چه استبعاد دارد که حق تعالی شانه مقدر فرموده باشد ظهور آنجاب را در زمان بسیار دوری اگر حضرت پیغمبر و ائمه و ملائکه و اسیاء و مؤمنین دعاء نکنند بحسب تعحیل در ظهور آنحضرت.

و در رماسی نزدیکتر مقدر فرموده ظهور این امر را اگر اهتمام در این دعاء بنماید لکن هنوز آن زمان نزدیکتر نرسیده است.

و حواسهای دیگر هم از این نوعم داده‌ام در مکیال المکارم مذکور

است .

و در روایتی وارد است که از زمانیکه حق تعالی مستجاب فرمود دعای موسی و هرون را تا زمانی که بر فرعونیان غلبه کردند چهل سال طول کشید پس مؤمن باید صبر نماید و از دعاء کردن خسته نشود .

در بیان سرِ اهتمام ائمه (ع) در دعای بجهت ظهور آن حضرت علیه السلام

مطلب چهارم در بیان سرّ زیادتی اهتمام ائمه طاهرین علیهم السلام در دعای بحضرت صاحب الزمان و طلب فرج و ظهور آنجناب را از خداوند عالمیان و در این مختصر بیک وجه اکتفا می نمایم . بدانکه دعاء کردن بکسی فرع محبت بآن کسی است و اعظم اسباب محبت و دوستی آن است که شخص وجود کسی را خیر بداند که بودن خیر در وجود هر کسی مقتضی و موجب محبت اوست .

پس هر قدر معرفت شخص انسانی بوجود خیر در وجود کسی کاملتر شد محبتش باو کاملتر می شود و هر قدر محبتش کاملتر شد تعلقش به او و اهتمامش در دعای بوجود او کاملتر و زیادتر می شود .

و واضح است که حقیقت معرفت و شناسائی بوجود مبارک حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و خیرات وجود اقدس او بنحو اکمل برای هیچکس ممکن و میسر نیست مگر حضرت رسول الله و ائمه طاهرین صلی الله علیه و علیهم .

زیرا که آنها از شجره طیبه واحده می باشند و کسی دیگر از شجده طیبه احده می باشند و کسی دیگر از مخلوقات نمی تواند احاطه به شئون آنها نماید .

لهذا محبت آنها هم بآنجناب اکمل و اعظم محبتها است و همین کافی است از برای شدت اهتمامشان بدعای بوجود مبارک او و طلب فتح و نصرت و فرج از برای او .

حدیث شریف در فضیلت خدمت‌گزاری به امام عصر عجل الله تعالی فرجه

و از این بیان ظاهر شدن نکته فرمایش حضرت صادق علیه السلام در حدیثی که شیخ نعمانی ره در کتاب غیبت روایت کرده که فرمود .
اگر من در کمی نمودم زمان حضرت قائم علیه السلام را تا زنده بودم خدمت او را می نمودم .

و همچنین مؤمنین هر کدام که معرفتشان بآنحضرت و خیرات وجود مبارک او کاملتر است محبتشان هم کاملتر است و هر چه محبتشان هم کاملتر باشد اهتمامشان در دعاگویی بآنحضرت کاملتر و زیادتر است .

لمولفه

یارب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب
تو برون آور و ما را بِلقائش برسان
آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بردار
و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان
دشمنانش همه تنه از روان خالی ساز
دوستانش هم را بوسه بپایش برسان

منافع دنیوییه دعای درحق امام زمان علیه السلام
مطلب پنجم در بیان فوائد و منافع دنیوییه که حاصل می شود
بدعاء نمودن از برای آنحضرت و طلب فرج و ظهور او علیه السلام و
در اینجا بذکر ده فائده اکتفاء می کنم .

اول آنکه موجب طول عمر می شود زیرا که دعای بآنحضرت صله
رحم پیغمبر صلی الله علیه و اله است و در تفسیر امام حسن عسکری
علیه السلام ذکر فرموده که صله رحم پیغمبر صلی الله علیه و اله افضل
و واجب تر است از صله رحم خود شخص و بناء بر این فوایدی که مترتب
می شود بر صله رحم خود شخص بطریق اولی و نحو اکمل مترتب می شود
بصله نمودن رحم پیغمبر صلی الله علیه و اله .

در فواید صله رحم

و از جمله آنها است طول عمر در کافی از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام مروی است که فرمود صله رحم کردن اعمال را پاکیزه
می کند و بلاء را دفع می کند و باعث آسانی حساب قیامت می شود و عمر
را دراز می کند .

و باین تقریب می توان گفت که هر نوع خدمتی با امام زمان علیه
السلام بکنند باعث رسیدن باین فوائد هست و بخصوص در ثواب دعای دوم
که مذکور می شود روایت شده که موجب طول عمر می شود در بحار و غیره
از حضرت صادق سلام الله علیه روایت شده است .

فائده دوم دفع بلاها و وسعت روزی است در اصول کافی بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود دعاء نمودن
شخص از برای برادر دینی خود در غیاب او روزی را زیاد می کند

و دفع می کند مکروه را .

حقیر گوید مسلم است که هر چند اَنموء من افضل باشد حصول این فائده بدعای در غیاب او اکمل خواهد بود پس دعای از برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام که اصل ایمان و معدن ایمان است در زمان غائب بودن آنجناب پیش از دعای برای هر مؤمنی سبب رسیدن باین فائد عظیمه خواهد بود .

فائده سوم آنکه مواظبت نمودن مؤمن بدعای بجهت آنجناب سبب مستجاب شدن سایر دعاهاست که مؤمن در حق خودش یا دیگران می کند و ده وجه برای این مطلب در کتاب مکیال المکارم ذکر نموده ام .

پس مؤمن سزاوار است که در همه دعاهایش ابتدا کند بدعای برای آنحضرت عجل الله تعالی فرجه و ظهوره .

فائده چهارم شرفیات شدن بملاقات آن جناب در بیداری یا خواب چنانچه در خصوص دعای دوم و بعض دعاها دیگر روایت شده است .

و در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ نَمِيرِدْ تا بفیض ملاقات حضرت قائم علیه السلام مشرف شود .

ظاهر این است که مقصود مداومت براین عمل است که مشتمل است بر دعاء و صلوات بر محمد و آل محمد و مسئلت تعجیل در فرج آنها که بظهور حضرت قائم علیه السلام حاصل می شود .

فائده پنجم زیاد شدن نعمتهای الهیه زیرا که شکر نعمت بنص

آیه قرآن سبب زیاد شدن آن می شود و چون وجود مبارک آن حضرت اعظم نعمتهای الهیه است و علاوه بر این واسطه در تمام نعمتهای ظاهریه و باطنیه است.

مذمت خواب بین الطلوعین

چنانچه در اخبار متواتره ذکر شده و در بحار و غیره از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که بهابی حمزه ثمالی فرمودند ای ابا حمزه نبا داد رساعت بین الطلوعین خواب باشی که در آن ساعت حق تعالی تقسیم می فرماید ارزاق بنده گان را و بدست ما جاری می گرداند و پس شکر گذاری آن وجود مبارک لازم است و سبب زیادتی نعمت است و دعای بآن جناب نوعی از شکر گذاری ایشان است.

در کمال الدین و غیره از محمد بن ازدی روایت شده که گفت پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از تفسیر آیه شریفه **وَاسْبَغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ** فرمودند نعمت ظاهره امام ظاهر است و نعمت باطنه امام غائب است.

برخی از اوصاف امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه

گفتم آیامی باشد از امامان کسی که غائب شود فرمود بلی غائب می شود از چشمهای مردم شخص او و غایب نمی شود از دلهای مومنین یاد او و دوازدهمی ماها است که آسان می کند حق تعالی برایش هر مشکلی را و هموار می کند برایش هر ناهمواری را و ظاهر می فرماید گنجهای زمین را و نزدیک می کند برای او هر دوری را و فانی می کند باو هر سرکشی کننده و ستمکاری را و هلاک می کند بدست او هر شیطان نابکاری را.

آن پسر سیده کنیز کان است که مخفی می شود بر مردم ولادت او و حلال نیست برای آنها تصریح نمودن باسم اوتا آن زمان که حق تعالی او را ظاهر گرداند پس پر کند زمین را از عدل و داد هم چنانکه پر شده باشد از ظلم و ستم .

فائده ششم آنکه دعای برای آنجناب سبب یاری خدا و غلبه شخص دعاء کننده می شود بر اعدا .

زیرا که دعای بآنحضرت یاری اوست و یاری او یاری خدا است و حق تعالی در قرآن مجید وعده فرموده است که یاری کند هر کسی که یاری نماید او را در چند موضع یکی **وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ** یعنی همانا یاری می فرماید خدای تعالی البته البته هر کسی را که او یاری می کند حق تعالی را و دیگران **تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** اگر یاری کنید شما خدا را او هم یاری می کند شما را .

فائده هفتم برگشتن بدنیا در زمان ظهور آنجناب چنانچه در حدیقه الشیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و در فضیلت دعای عهد نامه بخصوص در کتب متعدده مانند بحار و غیره روایت شده .

فائده هشتم آنکه دعای بتعجیل فرج و ظهور آنحضرت باعث ثبوت ایمان و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان است .

بعضی از اوصاف امام زمان علیه السلام

و دلیل براین مطلب حدیثی است که شیخ صدوق (ره) در کمال الدین روایت فرموده از احمد بن اسحق قمی ره گفت وارد شدم بر امام حسن عسگری علیه السلام و می خواستم بپرسم از آن جناب از امام و خلف بعد از او آن جناب پیش از سؤال من فرمودای

احمد بن اسحق بدرستی که خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون و خالی نمی‌گذارد تا قیامت از کسی که حجت باشد بر خلق که باو دفع بلاء می‌کند از اهل زمین و ببرکت او باران می‌بارد و برکات زمین را بیرون می‌آورد .

احمد گفت من گفتم باین رسول الله (ص) پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما حضرت بتعجیل داخل خانه شدند و بیرون آمدند در حالیکه بردوش آنحضرت پسری بود بسن سه ساله که رویش مثل ماه شب چهارده بود پس فرمود ای احمد بن اسحق اگر نبود بجهت کرامت تو نزد خدا و حجتهای او من این پسر را بتو نشان نمی‌دادم اوست همنام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و اله که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد .

ای احمد بن اسحق مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است بخدا قسم البته غائب خواهد شد غائب شدنی که نجات نمی‌یابد از هلاکت در زمان غیبت او مگر کسی که خدا او را ثابت کند بر قول بامامت او و توفیق دهد باو که دعاء کند بتعجیل فرج و ظهور او .

احمد گفت گفتم ای مولای من علامتی بمن بنما که دلم مطمئن شود ناگاه آن پسر بزبان عربی فصیح نطق کرد و فرمود مَنْم بقیه الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان خدا پس طلب نکن اثری بعد از این ای احمد بن اسحق .

فائده نهم دفع شدن بلاها و عقوبتها از کسانی که مستوجب آنند ببرکت دعاء کننده‌گان از برای ظهور امام زمان علیه السلام .
زیرا که در فائده سابقه دانستی که این امر شریف سبب ثبوت برایمان بلکه علامت آن و باعث نجات از فتن آخر الزمان است و از

حصول این فائده حاصل می شود فائده دیگر که آن محفوظ بودن دیگران از بلاها و عیوبات ناگهان است ببرکت وجود دعاء کننده گان برای این مطلب .

در فضیلت دوستان امام زمان علیه السلام

چنانچه در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود می آید بر مردم زمانی که غائب می شود امام آنها خوشا بحال کسانی که ثابت هستند بر امر مادر آن زمان بدرستی که کمتر چیزی که از برای آنها از ثواب هست این است که حقتعالی آنها را نداء می فرماید که ای بندگان من ایمان آوردید بسرّ من و تصدیق نمودید حجة غائب مرا پس مژده باد شما را بنیکوئی ثواب از من پس شمائید بنده گان من و کنیزان من بر راستی از شماها قبول می فرمایم اعمال خوب را و از شماها عفو می کنم اعمال زشت شما را و شما را می آمرزم و به برکت شماها باران بر بنده گانم می بارم و ببرکت شماها دفع بلاء از ایشان می کنم و اگر شماها نبودید همانا عذاب خود را بر ایشان نازل می فرمودم .

مداومت بدعای تعجیل ظهور موجب نزدیکی آن می شود

فائده دهم آنکه امید هست ببرکت دعاء کردن و تضرع نمودن مؤمنین در سؤال تعجیل فرج و ظهور آنحضرت این امر عظیم زودتر واقع گردد .

و شاهد بر این مطلب حدیثی است که در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حقتعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم علیه السلام که پسری را وعطاء می فرماید چون خبر بساره داد گفت چگونه

از من فرزند متولد می شود با وجود آنکه پیره زن شده ام و زمان آبستن شدنم گذشته است پس خدای عزوجل با براهیم وحی فرمود که بهمین زودی فرزندی برای تواز ساره متولد خواهد شد و بیاداش این که وحی ما را از روی تعجب رد کرد فرزندان او چهار صد سال بدست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای فرعونیت بودند پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها در میان فرعونیان بزاری درآمدند و چهل روز گریه کردند و بسوی خدا توجه کردند و طلب فرج نمودند حقتعالی بموسی و هرون وحی فرستاد که آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد فرمود با وجود آنکه هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود.

آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند شماها هم اگر این چنین رفتار می کردید یعنی اتفاق می نمودید در گریه و زاری کردن و طلب فرج ما را از خدا نمودن البته حقتعالی فرج ما را ظاهر می فرمود. اما چون شماها مانند آنها نمی کنید این امر بمُتنهایی که باید خواهد رسید.

در بیان فواید اخرویه این امر شریف

مطلب ششم در بیان فواید و منافع اخرویه این امر شریف یعنی مداومت و اهتمام نمودن در بسیاری دعا بوجود مبارک آنجناب و سؤال نمودن تعجیل در ظهور و فرج او از حضرت رَبُّ الأرباب و آنها زیاده بر صد فائده است که با دلیل و برهان مفصلاً در کتاب مَكِيلُ المکارم ذکر نموده ام.

و چون در این رساله بنا بر اختصار است فقط همان فواید را بطور

فهرست و اجمال می شمارم تا خوانندگان را موجب ملال نشود و برای عوام همین مقدار کافی است.

اول فائز شدن بشفاعت حضرت رسول صلی الله علیه وآله در قیامت.

دوم شفاعت حضرت فاطمه علیها السلام.

سوم رسیدن بشفاعت حضرت صاحب الزمان علیه السلام.

چهارم آنکه دعای بآنحضرت اطهار محبت بآنحناب است و در کافی روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود چون کسی را از اهل ایمان دوست داری اطهار کن محبت خودت را نسبت باو زیرا که همین سبب ریادتی و ثبات محبت و دوستی می شود.

پنجم آنکه دعای بآنحناب و مسئلت ظهورش را از حقتعالی علامت انتظار است و از برای انتظار توابعهای بسیار است که در نورالابصار ذکر نموده ام.

ششم آنکه حاصل می شود بآن احیاء امر امام و آن سبب سرور شخص می شود در قیامت.

هفتم باعث دور شدن شیطان می شود از شخص دعاء کننده.

هشتم آنکه حاصل می شود بآن ادای بعض حقوق امام فی الجملة.

نهم آنکه حاصل می شود بآن تعظیم از برای خداوند منان و آن

اعظم عبادات بلکه روح آنها است.

دهم آنکه این دعاء نوعی است از توسل بوسیله الهیه که امر

فرموده آن در آیه شریفه **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید

نگاه دارید خود را از عذاب خدا و طلب کنید وسیله رحمت او را و

کوشش نمائید در راه او تا رستگار شوید) .

یازدهم آنکه حاصل می شود بآن ادای مزد رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله فی الجملة زیرا که آن نوعی از مودت است بذوی القربی و حق تعالی آنرا مزد رسالت قرار داده در آیه شریفه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (یعنی بگو طلب نمی کنم از شماها بر پیغمبری خودم مزدی را مگر آنکه دوستی و اظهار مودت کنید با قُربی و تفسیر شده قُربی بحضرت امیر و حضرت فاطمه و اولاد آنها .

دوازدهم باعث آمرزش گناهان می شود .

سیزدهم آنکه داخل می شود مؤمن بسبب دعاء نمودن از برای امام زمان در زمرهٔ اخوان خاتم پیغمبران صلی الله علیه وآله و این بالاترین مقامات است برای انسان .

چهاردهم آنکه دعای بآنحضرت تأسی و اقتداء است بآنمه طاهرین علیهم السلام .

پانزدهم آنکه نوعی است از وفای بعهدالله که امر فرموده بآن در قرآن مجید .

شانزدهم آنکه نوعی است از رعایت امانت الهیه که آن وجود مبارک امام است .

هفدهم آنکه باعث زیادتى اشراق نور امام می شود در قلب او انشاءالله تعالی .

هجدهم آنکه آن نوعی است از اعانت بربر و تقوی زیرا که تمام خیرات ظاهر می شود بظهور آنجناب علیه السلام .

نوزدهم آنکه باعث هدایت یافتن بنور کتاب الله مجید می شود . بیستم قبول شدن اعمال صالحه انسان ببرکت دعای بحضرت

صاحب الزمان (ع) .

بیست و یکم مرتب می شود برای دعا ثواب طلب علم هرگاه مقصود اسباب استغناء بعلوم ربانیه امام زمان علیه السلام باشد .
بیست و دوم آنکه ایمن می شود از عقوبت‌ها و شدت‌های روز قیامت انشاء الله تعالی .

بیست و سوم آنکه حاصل می شود بآن اجابت دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله .

بیست و چهارم آنکه سبب بودن داعی می شود یا امیرالمؤمنین علیه السلام در درجه و مقام آنحضرت در روز قیام .
بیست و پنجم آنکه محبوب‌ترین خلق می شود نزد خداوند عالمیان جل شأنه .

بیست و ششم آنکه عزیزترین مردم می شود نزد خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله .

بیست و هفتم آنکه دعاء کننده در امر فرج و ظهور آنحضرت اهل بهشت می شود انشاء الله تعالی .

بیست و هشتم آنکه دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله شامل حال او می شود .

بیست و نهم آنکه خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید بجهت اهتمامش در دعای با امام زمان علیه السلام .

سی ام آنکه حاصل می شود بآن ثواب اعانت مظلوم .

سی و یکم حاصل می شود بآن ثواب اجلال و احترام کبیر .

سی و دوم حاصل می شود بآن ثواب طلب نمودن خون بناحق

ریخته شده مظلوم کربلاء و سایر مظلومین .

- سی و سوم آنکه حاصل می شود بآن توانائی تحمل احادیث ائمه طاهریں علیهم السلام .
- سی و چهارم آنکه در قیامت نوری از او ساطع می شود که دیگران بآن مُسَفَع می شوند .
- سی و پنجم آنکه شفاعت می کند از برای هفتاد هزار نفر از گناه کاران و قبول می شود .
- سی و ششم اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت .
- سی و هفتم آنکه بمواظبت اهتمام در دعای تعجیل فرج و ظهور آنجناب علیه السلام حاصل می شود ثواب بیست حج باعلاوه .
- سی و هشتم ثواب عُمره دارد .
- سی و نهم آنکه ثوابِ اِعتکاف دو ماه در مسجد الحرام دارد .
- چهلیم ثواب دو ماه روزه با اِعتکاف در مسجد الحرام دارد .
- چهل و یکم آنکه افضل است از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا
- چهل و دوم آنکه بهتر است از دادن هزار اسب بجهادکنندهگان در راه خدا و مقتضای افضل بودن زیادتى ثواب آنست .
- چهل و سوم آنکه اهتمام در بسیاری دعای بتعجیل ظهور و فرج آنحضرت افضل است از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه مشرفه .
- چهل و چهارم آنکه صد هزار حاجت او در روز قیامت روا می شود .
- چهل و پنجم محشور شدن در زمرهٔ حضرت رسول و ائمه طاهریں سلام الله علیهم اجمعین .
- چهل و ششم بشارت در وقت مردن .
- چهل و هفتم آنکه ملائکه در حق او دعای کنند .

چهل و هشتم این دعا سبب جراحات قلب شیطان می شود .
 چهل ونهم در محشر از طعامهای بهشت بهره مند می شود و متنعم
 می گردد در حالیکه مردم مشغول بحساب هستند .

پنجاهم از آفتاب قیامت محفوظ می ماند .
 پنجاه و یکم در عالم برزخ از عذابها و هولهای آن عالم ایمن است .
 پنجاه و دوم سبب سرور رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد .
 پنجاه و سوم در عالم قبر و برزخ رفیق و مُصاحب نیکو پیدا می کند .
 پنجاه و چهارم حساب او در قیامت آسان می شود یعنی از سیئات
 او عفو می شود و دقت نمی شود .

پنجاه و پنجم درهای بهشت برای او گشوده می شود .
 پنجاه و ششم آنکه دعای حضرت سید ساجدین علیه السلام شامل
 حال او می شود .

پنجاه و هفتم آنکه بدعاء نمودن در حق امام زمان حاصل می شود
 اعتصام بحبل الله که حق تعالی امر بآن فرموده در آیه شریفه وَاعْتَصِمُوا
بِحَبْلِ اللَّهِ .

پنجاه و هشتم حاصل می شود بآن توسل و تمسک بعترت طاهره
 خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله وسلم .
 پنجاه و نهم آنکه باعث رسیدن بمثل ثلث ثواب عبادت جمیع
 عابدان می شود .

شصتم کامل شدن ایمان .
 شصت و یکم ثواب شهادت در حضور خاتم انبیاء صلی الله علیه
 و آله را دارد .

شصت و دوم ثواب شهادت در حضور حضرت صاحب الزمان علیه

السلام را دارد.

شصت و سوم ثواب احسان نمودن با امام را دارد.

درفضیلت احترام عالم عامل

شصت و چهارم ثواب اکرام عالم را دارد و اکرام و احترام نمودن برای عالم یعنی عالم عامل از جمله عبادات عظیمه است. در بحار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند هر کس اکرام کند مؤمن فقیهی را در روز قیامت حقتعالی از او راضی و خشنود باشد و هر کس بی احترامی کند بمؤمن فقیهی حقتعالی در قیامت بر او غضبناک باشد.

شصت و پنجم ثواب اکرام کریم را دارد.

شصت و ششم حاصل می شود بآن مکافات بعضی از احسانهای آنحضرت در حق ماهافى الجملة.

شصت و هفتم حاصل می شود بآن اطاعت اولی الامر فی الجملة.

شصت و هشتم رسیدن بدرجات شهداء بلکه شهدای در خدمت

امیرالمؤمنین علیه السلام.

شصت و نهم حاضر شدن ملائکه در مجلسی که در آن دعا کرده

می شود در حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

هفتادم آنکه دعا نمودن بآنحضرت در این زمان افضل و بهتر

است از دعا کردن بآنحضرت در زمان ظهور و استیلای آنجناب بمقتضای

احادیث و روایات.

و اکتفای کنیم در این محضر بهمین مقدار و هر کس طالب بر اطلاع

بر ریاضت در این است رجوع کند بکتاب مکیال المکارم که بیانات

و افیه و تحقیقات شافیه با دلیلهای بسیار از احادیث ائمه اطهار علیهم السلام ذکر نموده‌ام .

تنبیه/ از آنچه گفتیم ظاهر شد که این عمل شریف را در میان عبادات جای معنی است که از برای سایر عبادات نیست از جهت بسیاری ثوابهای عظیمه و فوائد جلیله که حاصل می‌شود بآن .

مشروط فائز شدن بتمامی فوائد مذکوره بنحو کمال

لکن باید دانست که فائز شدن بتمامی آن فوائد و ثوابها من حیث الجموع بوجه کمال مشروط بسه شرط است بنا بر آنچه ظاهر می‌شود از آیات و روایات بسیار .

شرط اول ایمان است و مقصود از آن یقین قلبی و اقرار زبانی است با اصول دین و مذهب که تمام آنها را جمع بسه مطلب می‌شود .
اول معرفت بخداوند جل شانہ و وحدانیت او و صفات ثبوتیه او که از جمله آنها عدل است و صفات سلبيه او .

دوم معرفت برسول او حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و خاتمیت آنحضرت و حقیقت جمیع آنچه فرموده است که از آنجمله است معاد و سایر ضروریات دین .

سوم معرفت و شناسائی بدوازده امام که اول آنها حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و خاتم آنها امام زمان حضرت حجه بن الحسن العسگری علیهما السلام باشند .
و آنکه آنحضرت زنده است و غایب است و نخواهد مرد تا آنکه ظاهر شود و عالم را مملو از عدل فرماید .

معنی ضروریات دین

پس هر گاه نعوذ بالله کسی در یکی از امور مذکوره شک داشته باشد مؤمن نیست و هیچ عملی از او قبول نمی شود و اگر بآن حالت مرد نجات ندارد .

و همچنین اگر منکر یکی از ضروریات دین شود .

و مراد از ضروریات دین آن حکمهاست که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که نشو و نما کرده باشد در اسلام که آن حکم دین اسلام است مثل واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روزی و واجب بودن روزه ماه رمضان و حرام بودن ربا و شرب خمر و نحو اینها .

درجات تقوی و ثمره هر یک از آنها

شرط دوم تحصیل تقوی واقعی بدانکه تقوی بمعنی پرهیزکاری است و آنرا چهار درجه است که بتفاوت آنها درجات ثواب و قبول اعمال شخص تفاوت پیدا می کند .

درجه اول اجتناب از گناهان کبیره است و آن گناهایی است که در شرع بزرگ شمرده شده .

و هرگاه شخص این درجه را حاصل نمود از گناهان صغیره او عفو می شود و بثواب اعمال خیر و دخول بهشت فائز می شود و دلیل بر این است آیه شریفه *ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و نؤدبکم مد خلا کریم* (یعنی اگر پرهیز کنید از گناهان کبیره که نهی کرده شده اید از آن ما می بخشیم گناهان صغیره شما را و شما را بجا یگاه نیکو داخل می نمائیم) و روایات هم مطابق آن وارد شده است پس بر مؤمنی که طالب ثواب است و از عذاب حق تعالی ترسان است

لازم است گناهان کبیره را اقلاً " بشناسد تا از آنها پرهیز نماید .
و در این خصوص مرحوم مبرورثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمد
علی رفع الله تعالی درجته رساله خوبی نوشته اند خوب است مؤمنین
آنها تحصیل نموده و از آن بهره مند شوند .

و پوشیده نماند که هر گناه صغیره چون اصرار بر آن کنند کبیره
می شود چنانچه در روایت وارد شده و نقل اجماع علماء نیز بر آن شده
است . و ترک هر واجبی حرام است لکن بعضی واجبات ترکش گناه کبیره
است مثل ترک نماز و بعضی دیگر ترکش حرام است لکن گناه صغیره
است مثل ترک جواب سلام که کبیره بودنش معلوم نیست مگر اینکه
باعث هتک احترام مؤمن و ایدای باو شود .

درجه دوم که بالاتر از اول است پرهیز نمودن از تمام گناهان
است و واضح است که هر کس این درجه را حاصل کرد ثواب عباداتش
اکمل از اول است و تحصیل این دو درجه از تقوی واجب است بمقتضای
آیات و روایات .

درجه سوم که از آنها بالاتر است حاصل می شود بترک مکروهات
بجبه خوف از افتادن در محرمات .

درجه چهارم که از آن سه درجه بالاتر است ترک مباحات است
بجبه ترس از افتادن در مکروهات و محرمات و این دو درجه مقام مؤمنین
کاملین است که هر عملی از آنها صادر می شود مقرون برضای حضرت
حق سبحانه و تعالی است .

لزوم تهذیب اخلاق

شرط سوم از شروط رستگار شدن بثوابهای کامله تهذیب نفس

است از صفات رذیله یعنی صفات خبیثه که در باطن انسان کمین ساخته و او را از ساحت قرب الهی دور انداخته اند مثل تکبر و حرص و حسد و کینه و نفاق و محبت دنیا و عجب و غیرها را از خود دور نماید که با وجود بودن آنها شخص بمطلوب خود نخواهد رسید بلکه بعضی از صفات خبیثه چنان با اثر است که بکلی شخص را از ثواب محروم می کند بلکه باعث زوال ایمان می شود مثل محبت دنیا و نحو آن و اگر بخوایم در این مطالب تفصیل بدهم کتاب بزرگی خواهد شد لهذا بهمین مقدار اشاره نمودیم .

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم .

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال .

پس هرگاه شخص مؤمن با حصول شرایط مذکوره اهتمام و مداومت نمود در دعای بوجود مبارک امام زمان علیه السلام و طلب نمودن تعجیل در فرج و ظهورش را از خلاق عالم جل شانہ فائز می شود بتمامی فوائد مذکوره بنحو کمال انشاء الله تعالی .

سه جواب از شبهه قاصرین

فصل بسا هست که بعضی از کوته نظران استبعاد کنند و بگویند چگونه بازای عمل کوچک مختصری این همه ثوبات و منافع داده شود .
و جواب از این شبهه از سه راه است .

اول آنکه این عمل شریف یعنی دعای بجهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام کوچک نیست در نزد اهل بصیرت تا آنکه جای این استبعاد باشد بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم بان می داند مثل آنکه یک دانه جواهر

کوچک بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد لکن اهل خبره آن می داند و شخص ناشی را نمی رسد که بآن اعتراض کند که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی و عالم بشأن و قیمت این دعاء خلاق عالیمان و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند .

و مثل دعای بامام زمان روحی و ارواح العالمین فداه مثل کلمتین شهادتین است هر چند کوچک و مختصر است لکن بمحض گفتن شخص کافر مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود و هکذا سایر آثاری که دارد و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن انکار آثار آنرا نماید .

جواب دوم آنکه ثوابهایی که حقتعالی بازای هر عملی اعطاء می فرماید از راه تفضل است نه استحقاق شخص و مثل این دعاء و سایر عبادات مثل هدیه است که شخص محتاج بخدمت شخص کریم می برد یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند بلکه بمقتضای کرم خود انعام می فرماید بسا هست یک گل باو تعارف می کنند صد تومان انعام می دهد و همه کس او را تحسین می کند .

حدیثی در عطای حضرت سیدالشهداء علیه السلام

در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل بآنحضرت تعارف کرد آنجناب او را آزاد نمودند .
جواب سوم آنکه تمام این عطاها و ثوبات که بدعاء کننده در حق امام زمان علیه السلام عطاء می شود فی الحقیقه عطیه خداوند جل شانہ است بخود آنحضرت و اکرام آنحضرت است و واضح است که آنجناب استحقاق این مراتب و مافوق آنها را دارند .

مثلاً هرگاه شخص بزرگی شخص بزرگی دیگر را ضیافت نمود نسبت بهر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسانها و انعامهایی می کند که آنها بخودی خود لیاقت آنگونه تجلیلات را ندارند لکن بجهت انتساب و تعلقشان بآن شخص بزرگ مورد آن الطاف می شوند و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنها است و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها علی حسب مراتبهم بشود باعث تکدر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود .

چنانچه کثرت ثوابها و عطاها می هم که بزیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام عنایت می شود از جهت انتساب و تعلق ایشان است بآنحضرت نه از جهت استحقاق خودشان بیت

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند

دو عالمی ز کریمان عجب نپندارند

اوقاتیکه موء کد است دعای بآنحضرت

مطلب هفتم در بیان اوقات و حالاتیکه اهتمام و تأکید در دعاء نمودن از برای آنجناب و مسئلت تعجیل فرج آنحضرت بیش از سایر اوقات شده و در این مختصر بذکر جمله از آنها اکتفاء می نمایم .

اول در قنوت نمازها چنانچه در قنوتهایی متعدد از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده از آنجمله در مستدرک الوسائل روایت است که حضرت صادق علیه السلام بشیعیان خود امر می فرمودند که در قنوت نمازها بعد از کلمات فرج (کلمات فرج این است لا اله الا الله الحلیم الکریم) این دعا را بخوانند اللهم الیک شُخِصَتِ الْأَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي وَوَدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَأَنْتَ دُعِيتَ بِاللُّسْنِ وَاللِّسَانِ وَنَجَّوَاهُمْ

فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
 اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَغَيْبَةَ أَمَانَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ أَعْدَائِنَا
 وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَافِرِجِ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلِ تَظْهِرُهُ
 وَإِمَامِ حَقِّي نَعْرِفُهُ إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

حقیر گوید هر گاه نتواند این دعا را بخواند یا وقت تنگ باشد
 کفایت می کند اینکه بگوید اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ
 عَجِّلْ خِزْيَ أَعْدَائِهِ .

دوم بعد از هر نماز واجب چنانچه ذکر خواهد شد .

سوم بعد از هر دو رکعت از نماز فافله شب .

چهارم هر صبح و شام بخصوص .

پنجم هر وقت آنحضرت را زیارت می کنی چنانچه شهید ره در

دروس فرموده .

ششم هر وقت می خواهی برای خودت دعا کنی اول برای آن

جناب دعاء کن بعد در حق خودت چنانچه از روایات و ادعیه مستفاد

می شود .

صلوات روز پنجشنبه

هفتم روزهای پنجشنبه بخصوص در جمال الاسبوع روایت فرموده

که در روز پنجشنبه مستحب است که صد مرتبه بگویند . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ

الْأُولَى وَالْآخِرِينَ و از برای آن فضیلت بسیار است .

هشتم روزهای جمعه خصوص وقت زوال و بعد از نماز ظهر و عصر

آن از حضرت صادق علیه السلام مروی است که افضل اعمال روز جمعه آنست که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**.

نهم روز عید ماه رمضان .

دهم روز عید قربان

یازدهم روز عید غدیر .

دوازدهم روز عرفه .

سیزدهم روز بیست و پنجم ماه دیقعه که دحو الارض است .

چهاردهم شب نیمه ماه شعبان .

پانزدهم روز نیمه شعبان .

شانزدهم تمام ماه رمضان .

هفدهم خصوص شبهای آن .

هجدهم خصوص شب قدر .

نوزدهم خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان بعد از نماز صبح .

بیستم روز عاشورا و ادله هر یک را در کتاب مکیال المکارم ذکر

کرده ام .

بیست و یکم روز نوروز است بملاحظه حدیث معلی بن حبیب

که در زاد المعاد مسطور است که حضرت صادق علیه السلام فرمود .

هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج می کنیم .

پس مؤمن هم باید تائبی بامام خود نماید و در انتظار و دعا

گوئی او اهتمام تمام نماید .

بیست و دوم هر وقت هم و عمی عارض می شود باید مخصوصاً

دعای امام زمان علیه السلام نماید و طلب رفع هم و غم آنحضرت

را از حق تعالی بنماید چونکه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر وقت هم و غمی عارض قلب امام می شود آن غم اثر در قلوب شیعیانیش می کند .

و از این جهت بعضی اوقات قلب مؤمن محزون و غمناک می شود با وجود آنکه جهتی ظاهراً از برای آن نمی یابد .

بعضی از آداب دعای بآنحضرت

مطلب هشتم بدانکه فائز شدن بعوائد مذکوره از برای دعاء نمودن بتعجیل امر فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام بنحو کمال حاصل می شود باینکه شخص مداومت و اهتمام داشته باشد و دعای بوجود مبارک امام زمان علیه السلام و طلب فرج و ظهور آنحضرت از خداوند عالیمان جل شانہ و اینکه این دعاء را بسیار کند و طلب فرج و ظهور او را و رفع هموم و غموم را از قلب مبارک او از حق تعالی بسیار نماید بهر زبان که باشد چه فارسی چه عربی چه غیر آنها لکن سزاوار است که در آنحال با کمال تضرع و زاری دعاء کند مثل کسی که از برای عزیزان اهل خودش دعاء می کند در حال اضطراب او و غرضش از دعاء کردن بآنحضرت محبت بخضرت حق تعالی شانہ و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام باشد .

و بهتر آن است که دعاهائی را که از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده بجهت آن بزرگوار بخواند و آنها بسیار است .

و این حقیر در این مختصر بذکر چند دعاء اکتفا می نمایم اول در فقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست که بعد از هر نماز واجب ایندعاء را بخوان .

دعای بعد از هر نماز واجب

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ (ص) نَبِيًّا
وَبِعَلِيِّ وَلِيًّا وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أئِمَّةً
اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةُ فَأَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَأَمُدِّدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَاجْعَلْهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ
الْمُسْتَنْصِرُ لِدِينِكَ وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرَّبْهُ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَفِي أَهْلِهِ
وَمَالِهِ وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ
تَقَرَّبْهُ عَيْنُهُ وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

دوم در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
که این دعاء را بعد از هر نماز بخوانند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ
الْمُصَدِّقَ الْأَمِينِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ
مَا تَرَدَّدَتْ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمَوءِ مِنْ يَكْرَهُ
الْمَوْتِ وَأَنَا أَكْرَهُ سَائِتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ وَلَا تَسُونِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِّنْ
أَحِبَّتِي.

سوم در فروع کافی روایت شده که این دعاء را در هر حال و هر وقت بخوانند خصوصا در ماه رمضان خصوصا در شب بیست و سیم آن می گوئی بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله .

اللَّهُمَّ كُنْ لِرَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ وَعَلَى
 آبَائِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَوَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا
 وَدَلِيلًا وَقَائِدًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

چهارم در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت است که باید صلوات فرستاد بر حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه باین کیفیت .

مولف گوید چونکه این صلوات مشتمل است بر دعای بآنحضرت در هر حال و هر وقت مناسب است خواندن .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ
 وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَ لَهُمْ تَطْهِيرًا " اللَّهُمَّ انصُرْهُ
 وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَانصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ
 اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ظَاغٍ وَبَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ
 بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعَهُ مِنْ أَنْ
 يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَاطْهِّرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ
 أَيْدَهُ بِالنَّصْرِ وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَ
 اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ
وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ (ص) مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ
مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ آمِينَ .

پنجم دعائی است که در جمال الاسبوع از حضرت رضا علیه السلام
روایت شده که دعاء نمایند بحضرت حجة عجل الله تعالی فرجه باین
دعاء و این دعاء وقت مخصوصی ندارد بلکه هر وقت بتوانند این دعای
شریف را بخوانند و این عاصی را بدعای خیر یاد کنند .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ
وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمَعْبُورِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ
النَّاظِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ الْجَحَّجَّاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ
الْعَائِدِ بِكَ اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ
وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ
وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ
وَصِيَّ رَسُولِكَ وَأَبَائِهِ أَيْمَتِكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تُضِيعُ وَفِي جِوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنْعِكَ
وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ اللَّهُمَّ وَأَمِّهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ
بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ

وَأَيَّدَهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَأَرْدَفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
 وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا اللَّهُمَّ
 وَبِغَفَةِ أَفْضَلِ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ
 بِدِ الصَّدْعِ وَأَرْتُقْ بِدِ الْفَتْقِ وَأَمِتْ بِدِ الْجُورِ وَأَظْهِرْ بِدِ الْعَدْلِ وَزَيِّنْ بِطُولِ
 بِقَائِهِ الْأَرْضِ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا "وَأَجْعَلْ
 لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا" اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ
 الْمُنْتَظَرَ وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحِ قَرِيبٍ وَوَرِثَةِ مُشَارِقِ
 الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا وَأَخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ حَتَّى لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَقَوْنَا صِرَهُ
 وَأَخْذُلْ خَاذِلُهُ وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّهُ اللَّهُمَّ
 وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمْدَةَ وَدْعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ
 وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ وَمَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَأَذِلُّ بِدِ الْجَبَّارِينَ
 وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنُ كَانُوا
 مِنْ مُشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدْعُ
 مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تُبْقِي لَهُمْ آثَارًا اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ
 وَأَعِزِّبِهِ الْمَوْتِ مَنِينَ وَأَخِي بِهِ سُنَّ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسِ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَجَدِّدْ بِهِ
 مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدِيهِ

غَضًا جَدِيدًا "صَحِيحًا" مَحْضًا "لَا عَوْجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ" ^{حَتَّى} سَنِيرٌ بَعْدَ لِهْ طَلَمَ
 الْجُورِ وَتَطْفَعِي بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُظْهِرِيهِ مُعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ
 وَتُوضِحِي بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ
 وَأَصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَاسْتَمْتَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَعَصَمْتَهُ
 مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجَسِ وَصَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ
 وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ
 أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَمْ يَأْتِ حُوبًا وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعْ
 لَكَ طَاعَةَ وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً
 وَإِنَّهُ الْإِمَامُ اتَّقِي الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّحْمِيُّ
 اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
 وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعْبَتِهِ مَا تَقْرِبُهُ عَيْنُهُ وَتَسُنُّرُ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلُكَاتِ
 كُلِّهَا قَرِيبُهَا وَبَعِيدُهَا وَعَزِيزُهَا وَذَلِيلُهَا حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ
 وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمُحَجَّةِ
 الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيُلْحَقُ بِهَا التَّالِي
 اللَّهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابِعَتِهِ
 وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصِحَتِهِ
 حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَشُبُهَةٍ
 وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحِلَّنَا
 مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ
 وَالْفِشْلِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعَزِّبُهُ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَلَا تَسْتَبْدِلُ
 بِنَا غَيْرَنَا فَإِنِ اسْتَبَدَّ إِلَيْكَ بِنَا غَيْرُنَا عَلَيْنَا يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ إِنَّكَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَبَلِّغُهُمْ آمَالَهِمْ وَزِدْ فِي
 آجَالِهِمْ وَأَنْصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُ مَا اسْتَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَاجْعَلْنَا لَهُمْ
 أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ نَصَارًا وَصَلِّ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ
 اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخَزَائِنُ عِلْمِكَ وَوُلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتِكَ مِنْ
 عِبَادِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَوْلَادُ
 أَصْفِيَاءِكَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَشُرَكَائِهِ
 فِي أَمْرِهِ وَمَعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلَاحَهُ وَمُفْرَعَهُ
 وَأَنْسَهُ الَّذِينَ سَلَوُا عَنْ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ وَعَطَلُوا الْوَثِيرَ
 مِنَ الْمِهَادِ قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرُوبًا مَعَايِشِهِمْ وَفَقَدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ
 بَغِيرَ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ وَخَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ وَخَالَفُوا
 الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ وَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِ-
 هُمْ وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَصِّلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ

فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنَفِكَ وَرَدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ
 خَلْقِكَ وَأَجْزَلُ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ وَتَأْيِيدِكَ
 وَنَصْرِكَ أَيُّهُمْ مَا تَعَيَّنُ بِهِمْ بِعَلَى طَاعَتِكَ وَأَزْهَقُ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ
 إِطْفَاءَ نُورِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأُمَّلَاءِ بِهِمْ كُلِّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقَطْرٍ
 مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً وَفَضْلًا وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ
 وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِبِي عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَذْخُرْ لَهُمْ مِنْ
 ثَوَابِكَ مَا تَرَفَّعَ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تَرِيدُ آمِينَ
 آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ششم صلواتی است که از خود آنحضرت علیه السلام در جمال
 الأسبوع و بحار روایت شده و مشتمل است بر دعای بجهة آنجناب و
 صلوات بر آنحضرت صلوات الله علیه .

بسم الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ
 الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ الْيَدِيْنِ
 إِلَيْهِ اللَّهُمَّ شَرِّفْ بَيَانَهُ وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِيءْ
 نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ
 وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهَا الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْفُرِّ الْمَحْجَلِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْغَابِطِينَ وَإِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ
 الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْهُدَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَثَمَةِ
 الْهَادِيينَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دُعَائِمِ دِينِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ
 وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ اخْتَرُوا

- تَهْمَ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ أَرْضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ
 وَجَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَغَذَّيْتَهُمْ
 بِحِكْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَأَتِكَ وَ
 شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ
 صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُحْصِيهَا
 أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي
 إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ
 عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ وَمُدْفِي عُمُرِهِ وَزَيْنِ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ
 اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَأَزْجِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ
 الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ
 شِيَعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقْرِبُهُ عَيْنَهُ
 وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ
 وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا
 خَالِصًا "مُخْلِصًا" لَا شَكَّ فِيهِ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ
 اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهَدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَأَهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ
 وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَذْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَجِرْ

حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ
 وَأَهْلِكَ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْكُرْ بَيْنَ كَادِهِ وَأَسْتَأْصِلْ مَنْ حَجَدَ حَقَّهُ وَأَسْتَهَانَ
 بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَارَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرَّضَا وَالْحُسَيْنِ
 الْمُصَفَّى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التَّقَى
 وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ
 وِلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَمَدْفِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْفِي أَجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ
 أَفْضَلَ أَمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

خاتمه در کتاب احتجاج مرویستکه حضرت صاحب الامر عجل الله
 تعالی فرجه در توقیع شریف بسوی محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری
 امر فرموده بودند که هر گاه بخواید مرا زیارت کنید و بسوی من توجه
 نمائید پس چنین زیارت کنید و بگوئید .

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَانِي أَيَّتَهُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّتَ اللَّهِ وَدَلِيلَ أَرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ
 اللَّهِ وَتَرْجُمَانِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنْاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ

۱- این صلوات را مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) در مفاتیح الجنان
 مخصوص اعمال عصر جمعه ذکر کرده است .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ
 وَالْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدًّا غَيْرَ مَكْذُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتَبِينُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَبِّحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى
 وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولِ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مُوَلَايَ إِنِّي أَشْهَدُ
 أَنَّ لِلَّهِ إِلَهًا وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ
 إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ
 حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ
 حُجَّتَهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
 حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ
 أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُونَ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُكْسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَارًا
 وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النُّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ
 وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ

بِهِمَا حَقُّ يَا مُوَلَّايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا شَهِدْتُكَ
عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٍّ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَ
الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَوَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مُوَلَّايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَجَكُمْ
وَنَصَرْتِي مَعْدَةٌ لَكُمْ وَوَدَّعْتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ .

دعائیکه بعد از این زیارت باید خوانده شود اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ
وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَعِزِّي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ
وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ
سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَوَدَّعْتِي نُورَ الْمَوَالِيَةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى
الْقَاكَ وَقَدَّوْفِيَتْ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَغْشِيَنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (ص) حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ
وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ
وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمَجْلِي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ
وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةَ النِّجَاةِ
وَعَلَمِ الْهُدَى وَنُورِ ابْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَّى وَمَجْلِي الْعَمَلِ
الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأْتَ جُورًا وَظُلْمًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرَ اللّٰهِمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَابْنَ اَوْلِيَايَكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ
 حَقَّهُمْ وَاذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْيِئْرًا اللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ
 لِدِيْنِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيْعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللّٰهُمَّ
 اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ
 يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِيْنِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاَحْرُسْهُ وَاَمْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُّوْصَلَ
 اِلَيْهِ بِسَوْءٍ وَاَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَاٰلَ رَسُوْلِكَ وَاُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ
 وَاَنْصُرْ نَاصِرِيْهِ وَاَخْذُلْ خَاذِلِيْهِ وَاَقْصِمْ قَاصِمِيْهِ وَاَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ
 وَاَقْتُلْ بِهِنَّ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا مِنْ مَّشَارِقِ الْاَرْضِ
 وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّيْهَا وَبَحْرِيْهَا وَاَمْلَأْ بِهِنَّ الْاَرْضَ عَدْلًا وَاُظْهِرْ بِهِ دِيْنَ نَبِيِّكَ
 صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَجْعَلْنِيْ اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَشِيْعَتِهِ وَاَرِنِيْ
 فِيْ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمَلُوْنَ وَفِيْ عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُوْنَ اَلْهٰلِحَقِ
 اٰمِيْنَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَاَلْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

فصل

مستحب است مداومت باین دعای شریف که در منہج از

حضرت امام محمد باقر (ع)

بسند معتبر روایت شده و در اینخصوص برای این عاصی واقعه

شریفه اتفاق افتاد که ذکرش منافی با اختصار است.

حقیر گوید واضح است که در مقام اظهار محبت کامله بآنجناب

اگر تحفه بهتر سراغ داشت آنرا ذکر می نمود.

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَإِنَّ إِلَيْكَ الْمُنْتَهَى
وَالرُّجْعَى وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاءَ وَالْمَجِيدَ رَبِّ اعْوِذُ بِكَ
أَنْ أُذِلَّ أَوْ أُخْزَى .

دعای دیگر که بسیار باید خواند .

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ

ختم کتاب بچند رباعی از انشاءات این عاصی :

عید آمد و شد ز لاله بستان پرنور
هرکس بخیالی بجهان شد مسرور
ما را غم و محنت و آلم شد پر زور
ز انرو که جمالت بود از ما مستور

*

ای ما حاصل مراد از کون و مکان
باز که شود جهان بتو رشک جنان
بیدیدن طلعت تو ای جان جهان
حظی نبود مرا ز باغ و بستان

*

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز
افتاده ز دوری تو در سوز و گداز
زان پیش که خصم دون بما طعنه زند
ما را بیکی نظاره شاهها بنواز

بِعُونِ اللَّهِ تَعَالَى وَحَسَنِ تَأْيِيدِهِ تَمَامَ شِدِّ كِتَابِ كَنْزِ الْفَنَائِمِ
فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِلْقَائِمِ أَرْوَاحِنَا لَهُ فِدَاهُ .
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

اللَّهُ

رَجَبُ الْمَرْجَبِ سَنَةِ ١٣٣٣ .

تذکر:

دعای صفحه ۶۷ در اواخر مفاتیح الجنان باب صلوات
بر حجج طاهره نیز هست .

دعای ص ۶۸ در مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه
با تغییراتی موجود است .

زیارت ص ۷۵ در مفاتیح الجنان باب زیارت حضرت
صاحب الامر نیز هست در صورت نیازی می توانید مراجعه نماید .

أَسْأَلُكُمْ الدُّعَاءَ